

آن سندان گذاشتند و دو نفر آشنگر از طرفین آن آهن گذاخته را در روی سندان کوبیدند. باری تمام نایبات وی جلب انظار تاشائیان را نمود. دو سه فقره نایب ~~که~~ در اعلان وعده داده بود بجا نیاورد

اولاً توپ را در بالای شانه خود قرار نداده و خالی نکرد

ثانیاً نعل اسب را با دو انگشت نشکست  
ثالثاً سزک صد و سی من را با یک انگشت برداشت

و اما ~~کننده~~ درخت را در بالای سر خود نشکست، بعد از روز اول نایب خود بمدرسه ملی رفته و در آنجا دو خطابه بفرانسه و فارسی از حسن شجاعت و هنرهای وی قرائت شد و دو نفر از اطفال شش ساله مدرسه ملی در حضور بهلوان نایب جناستیکی داد که مورد مدح بهلوان گردید و بمدرسه وعده داد که دستور العمل جناستیک را مفصلاً نوشته و بمدرسه بدهد که اطفال از استقرار مشتق نمایند، زور خانه های مشهورا گردش عوده و وضع آنها را نه بسندید و میگفت که کار گران در این طور زور خانه ها هر چه کار نمایند بخوبی ترقی نخواهند کرد، چرا که اولاً مذهب رطوبت است، ثانیاً هوایش بسیار حبس و فاسد است، ثالثاً کارهای شان از روی قاعده و قانون جناستیک نیست و نیز یک مقدار بول تنذیم زورخانه های مشهور کرد که بمصارف آلات و ادوات ورزش برساند، در مشهد فقط کیبکه حریف زور آزمای این بهلوان بود نایب علی آقای طهرانی است و با بهلوان نهایت متحد بوده بالاخره قدرت حق را هر کس میخواست به بند در این شخص دید (الانسان جرم صغیر و فیه انطوت عالم الاکبر)

#### ❦ اخبار مشهد ❦

چندی قبل یک نفر را کشتند و قاتل آن معلوم نشد و چندین خانه و دکان را نیز سرقت نمودند که سارق بدست نیامد تا بالاخره بتزبانی که خیلی منصل است و حالا مافون به شرح آن نیستم معلوم شد که قاتل آن مقتول بیگناه و رئیس سارقین نایب حبیب ترک رئیس کیسری نوغان است که ممتد الوزاره رئیس نظمیه

اعتمادی قوی بوی داشت، در هر حال ویرا دستگیر نموده و در اداره نظمیه به پاه بسته چوبش زدند و لباس رسمی را از تنش بیرون نموده معزولش ساختند. این ساجه یک فقره از عدم مال ابدیشی و سوء رفتار ممتد الوزاره بود که مردمان بی سر و سوداء را که در عشق آباد پشیزی نداشته و راست را از ماست فرق نمیدادند بدین کارها انتخاب نموده و مردمان نجیب را باطاعت آنها وادار میکردند چنانکه حاله نیز اغلب از رؤسای کیسری با وشعبات انجمنه در ولایات جزو خراسان از این قبیل اشخاص هستند. اگرچه ممتد الوزاره در روز قبل معزول نموده و سریعاً بطهران خواستند و رفت و بجای او عمید السلطنه احمد علی نامی را انتخاب نموده و گسیل داشته اند، ولی خراب کارها و نتیجه سوء رفتار ممتد الوزاره به اندازه است که نتوان در چهار سال تلافی نمود.

ممتد الوزاره در این اواخر دارای استقلال تام در عرض و ناموس و ثروت مردم بهمرساییده و تفرعنی بی سرحد بهمرساییده بود. یکی از بیقانونیهای عمدناو که همواره بنامه مقدسه اضلاع داد، ام ایسکه مکرر در مکرر چه از طهران و چه از مشهد از طرف مجباء و اییان باین شخص اصرار و ارام و بالاخره تهدید شد که بکارهای عدایه مداخلت و دست درازی نماید ابدأ اثر نکرده و از مداخلات بجای خود که سکنه بزرگی بقوانین اساسی بود دست برداشته، و دیگر آنکه یک روزی یک دسته موزیکان از رئیس قشون میخواهد رئیس قشون متمذر میشود ممتد الوزاره میزستد یک دسته موزیکانچی کامل از قوجان آورده و هر ماعه مواجب زیاد از ثروت ملت که بخون دل اندوخته میشد به آنها میداد و فقط کار آنها این بود که هنگام عصر در جلو رئیس خود بنوازند و هم در هنگامیکه سوار میشود در جلو وی موزیک بزنند، در خرج کردن و نفاذ نمودن ثروت بدی طولانی داشت، بر عهده امنای امور است که در آئینه این گونه مأوورین انتخاب نمایند یا بعد از انتخاب هزاران دقت در اعمال وی بواسطه تقشیش بنمایند که مورت دل سردی مردم از اساس مشروطه نشود، در همان روزیکه تلگراف

عزل معتمد الوزاره رسید حاجی عبدالرحیم صراف و بعضی ها که طرفدار اعمال سوء وی بودند تلگرافخانه رفته و از امنای امور تقاضای عدم عزل معتمد الوزاره را نمودند ، ولی بحمدالله گوش امنای امور از اینگونه وساطت بسیار شنیده و اعتماد نموده اند ، بقول یکی از عقلاء که در اینموقع می گفت ( که جمعی در طاهر از مجاه بیدرقه حقوق ما درخواست کرده اند که خود از دزدان قافله اند )

ارفع السلطان بزرگ سابقه اعمال وی را سابقاً عرض کرده ام یکجمله نامعلوم از انجمن ایالتی استعنا داده با خانواده خویش بطهران رفت اگرچه رفتار اعضای این انجمن به بنده چندان مستور نیست که عزل ارفع السلطان را بجهت نامعلوم بگویم ولی شرح این را نیز باقتضای مرهونیات وقت واگذار مینمایم که امنای امور طهران سردرگشفت اعمال از انجمن بنمایند و راضی نشوند که اساسی باین خون دل فراهم شده فدیة اعمال چند نفر از مردمان کهنه پرست به شود ،

برای مراسم تزیین داری نایب السلطنه دوروزی رسماً مجلس سوگواری برقرار شد و بیرق هارا نیز اندکی سرنگون نمودند و شایع است که ناصرالمملک را بجای وی انتخاب نموده اند ، چند روز قبل نیز اندکی نسیم منحوس و بآه در باین خیابان مشهد وزید و چند نفری از قراولان و سربازان پیغمه درگذشتند و اطباء برای جلوگیری اقدام نمودند و بحمدالله خوب موفق شدند ، حالیه دو سه روز است که ایداً از وباء اثری نیست ، انجمن حفظ الصحه نیز ریاست رسمیه آقای ملک الحکما دایر و جمعی از اطباء عالم هفتاد دو روز برای کشکاش حاضر شده و در لوازم حفظ الصحه گفتگو میشود و دوروز قبل نیز مقداری کافی لوازم جلوگیری وباء از قبیل سوبلیمه و آبدزدکهای خوب و غیره از خارج بدین انجمن وارد نمودند ، انجمن معارف نیز عنقریب رسماً ریاست ملک الحکماء دایر خواهد شد چنانکه تلگراف رسمی در این باب رسیده و امیدواریم که برخلاف سابق از اشخاص عالم برای عضویت این انجمن انتخاب شوند ،

اتفاقیکه در ماه رمضان المبارک رویداد و واقفاناً مورث بسی ناسف است همانا مجالس لاطارها بود در

مغازه ها که بدین دست آویز بولهای مردم بجاورد را اخذ کردند و در عوض یک دانه سوزن یا یک عدد سر قلم و دسته قلم و غیره دادند در این باب چندین مرتبه اقدام شد و قدغن سخت گردید ولی چون اغلب از رؤسا بدین کار اقدام مینمودند اواسط تاس نیز اقدام میکردند و این فقره منع از لاطار و قانون وی سال گذشته از مجلس مقدس بیرون آمد ، اما افسوس که از اینگونه قوانین که از مجلس مقدس خارج میشود چون ناظر بوی نمیکارند کان لم یکن میباشد ، چنانکه قانون دستگیری مهر ساز و اسناد جعلی درست کنن ها را از طرف مجلس مقدس تصویب شد و بالنکلیه فراموش گردید و آنها چون خود را آزاد و مختار می بینند از اهمال خود فرو گذاری ندارند ،

بنان السلطنه رئیس اداره مایه و وزیر مالیات کل خراسان و سیستان بخوبی از عهده شغل خویش و آمده و شب و روز به سرعت برق کار میکنند ، چنانکه از شخص موثقی شنیدم در شی که هفت ساعت از شب گذشته و تمام چشم ها در خواب است این شخص نشسته با وجودیکه از درد کمر مینالند تحریر میکنند و در کار اداره سعی است ، پرسیدم که در اینموقع که مرض مستولی است چرا استراحت نمیکنید ، جواب داد چون مأموریت و وظیفه معینه ام بسی بزرگ است مرا مجبور بکار کردن میباشد که در نزد وجدان و مجلس مقدس خجالت نبرم ،

چند روز قبل نیز اعلان منتشر کرده بودند که ارباب حقوق بروند و تعرفه بگیرند که بد ها وظیفه خود را دریافت دارند و منظور است که حقوق را بالنسبته پردازند ولی عقیده بنده در این باب این است که محتاجان و بیوسایلهگان را که از دیر زمانی این حقوق را وسیله ماش خود ساخته اند به تمام پردازند و اشخاص غیر محتاج را حقوق نداده و قطع نمایند تا رسم تعادل معمول گردد و صدای مردم هیچ رعاع نیز بقدر مشروطیت بلند نشود ،

ده روز قبل نیز محمدعلی میرزا رئیس اداره تلافی خراسان و سیستان وارد شد و در این قلیل مدت الحقی امتحانات کافی داد که حسن استقبال را وعده

بسرولت نمی توان مقابلت کرد ، و تأثیرات این کار  
 بر خاطر رعابای مسلم انگلیس خیلی بد خواهد شد  
 و نتایج وخیمه که فعلاً رو داده یعنی گم کردن  
 دوستی عثمانی و تجدید تشویق عقاید طامه آلمان ها  
 از نتایج ناجاری است که متعاقب هر قدمی ( که  
 بدین منزل غیر مطلوب بر می داریم ) روی حوامد  
 داد ،

دلیل این است که ما نمیتوانیم مطمئن بشویم  
 که نتایج بزرگتر ( ازین اقدام ) غیر ممکن است ،  
 اولاً اگرچه ما درصدد تصبیح حقوق سلطانی ایران  
 رسماً بر نمی آیم اما تکلیف بایران میکنیم که  
 صاحبمنصبان اسکلیس را احیر نماید. اگر ابرایان امتناع  
 از قبول این تکلیف نمایند چه میشود ، باید قشون  
 بفرستیم ، یا درضاً ابرایان قبول کردند اما  
 صاحبمنصبان بواسطه هیجان مردم و اشکالاتی که از  
 بودن آنها در ایران حاصل میشود نتوانند کاری  
 از پیش ببرند ، آنوقت چه میشود ؟ باید  
 دائرة مداخله دست بدهیم ، و این خوف هم خوف  
 بی حاش نیست ، همین هیجان و انقلابی که در ایران  
 شد اصلاً برای این بود که ملت خود را از تسلط  
 روس ( که خارجه باشد ) آزاد نماید ، و ما هم تا  
 اندازه که همراهی با خیالات روس در تصرف شال  
 ایران با قشون خود کرده و میکیم احساسات نیک  
 ایرانیان را نسبت مخودمان گم کرده ایم و اگر ماجرأ  
 صاحبمنصبان خود را داخل درخوب کنیم خواهش  
 ما از روس برآییس پس بردن قشون از شال بی  
 حاصل حوامد شد !

اگر چنانچه در مقاله شها ذکر شده امنیت در  
 بین راه رشت و طهران برقرار است پس چرا  
 دولت روس قشون خود را حناکه وعده داده بود  
 پس نمی برد ؟ او بدی و رهمانی که از توقف  
 قشون روس در خاطر های ایرانیان تولید میشود  
 از کتاب جدیدی که بروفیسر برون نوشته بهتر  
 میتوان فهمید . اگر قشون روس در یکی از نقاط  
 مملکت ما باشد بی شک تمام نام ما را بست و قدر ما را  
 ضعیف میکند . شها ایرانیانرا ملامت از مجا نیابردن  
 اصلاحاتی که وعده کرده اند می کنید ، ولی از خاطر  
 دور داشته اید که کلیه اصلاحات به بول است . اگر  
 دولت ایران می توانست با آزادی پول تحصیل کند

میدهد ، مباشرین بسیار قابل و صحیح تمامی شعبات  
 این اداره و مأمور نموده اند که بیوجی مردم را  
 اذیت و آزار نمایند

ترجمه از روزنامه طمس

( مکتوب يك از منصفین انگلستان )

امروز مقاله در روز نامه شما بود ، مبنی بر  
 مطمئن داشتن مردم از سزاواری و صمیمی یادداشت  
 دولت انگلیس بایران ، زیرا که آن یاد داشت را هم  
 لازم دانسته اید و هم مایه حفظ تجارت اسکلیس و مانع  
 از تصرف و تقسیم ایران شمرده اید با همه این بیاری  
 از ما هستند که هنوز خیلی نگرانند با اینکه بخوناند  
 از اینکه تصرف و تقسیم ایران در نظر نیست ، و از  
 اینکه همچو منظوری ندارند هیچ شکی در انگلستان  
 نمیرود و ایسم ناجاری است که اینگونه منطورات  
 در خارج به تدعیر شود ، و در مثل این مواقع مام  
 منظورات دیگر ارا بد تعبیر میکنیم

اگرچه ما در قصد تصرف بستیم ولی باید  
 بخاطر بیابوریم که در تاریخ مستملکات ما همیشه اول  
 تصرف همین ترتیبات شروع شده و عین همین ابلامات  
 را از نیت حاص خود داده ایم ، ذکر شده « ما  
 صاحب منصب بایران قرض میدهم » تور باید کرد که ما  
 در جاهای دیگر شروع بدادن ناخوب کردیم و از نصیحت  
 کار بدخل و تصرف و از دخل و تصرف تصاحب  
 کشید ، ما مداخله در مصر کردیم برای استرداد انتظام  
 و هنوز در انجا ایم و نمیتوانیم از آنجا بیرون برویم ،  
 شاید هم بودن ما در مصر خوب شده باشد ولی  
 سیاسی دانان ما از هر پارتی بر این مقیدند که  
 اضافه کردن جنوب ایران ببار دوش دولت ما از  
 و خامت های بزرگ برای ما میشود ، اگر اوضاع  
 بهمین ترتیب حالیه پیش رود چندی میکندرد که  
 سرحد طولانی ما روس خواهیم داشت بدون هیچ  
 سد کوهی در بین ، و داشتن سرحد طولانی در  
 مقابل تصرفات روس کاری است بی خوفناک ، و  
 اضافه کردن معای ملتی های ایرانی و اغتشاشات  
 ایران را بر اشکالات مصر نهایت درجه سحت  
 است ، و اگر دولت انگلیس بواسطه پیش آمدها  
 ناچار از تقسیم ایران با روس شود ( هر چند هم  
 من غیر قصد باشد ، موجب آندرجه بدنامی و وهن  
 ( حورالیقی ) در پلنیک خارجه انگلیس میشود که

چهار فيصل يافت. سندات اين استقراض در ۸۴ فيصدي به بازار صرافان پيش شده مانك آلمان در صدي پنج و نيم حاضر است كه اين وجوه را نقداً بدولت عثماني پيردازد

۳۰ يوم تخت نشيني رسمي اعليحضرت جارج پنجم پادشاه انگلستان موجب خبر رسمي ۲۲ جون مقرر شده است

§ ۲۶ نفر ژابونيان كه به جرم اراده قتل امپراطور ميكاوو گرفتار شده بودند در عدالت مخفي جرمشان ثابت و محكم با داهشان صادر گرديد  
 ۳۰ دول اسپانيا، انگليس، آلمان، فرانس سلطنت برتگيز را به جمهوريت شناختند

۳۰ براي ده ميليون قرضه كه دولت چين خواستگار شده قرار نامه آن بين آلمان، انگليس، فرانس و امريكا امضا خواهد يافت

§ عبدالحميد سلطان مخلوع عثماني به مرض درد گرفته مبتلا و هفت داكثران بشوره يك ديگر در علاجش كوشاند

### تلكرافات

( ۱۱ نومبر - ۸ ذيقمه )

§ از تلكراف ملبورن ظاهر مي شود كه مجلس پارلمان ( استراليا ) منظور نموده است كه يك آه تمبر در تمام قلمرو دولت انگليس بهوض دو آه و نيم كه سابق مروج بود جاري شود

( ۱۲ نومبر - ۹ ذيقمه )

§ امپراطور آلمان در ( دارمستد ) بازديد امپراطور روس را نمودند

۳۰ بموجب تلكرافات بگن دولت چين اعلان داده كه ندارد انعقاد مجلس پارلمان را بايد ملت بخايد و چنان مستفاد مي شود كه دولت مائل است كه اخذ راي از ملت نموده سپس تاريخ انعقاد پارلمان را معين دارو

۳۰ مستر ( هالدين ) در نطق خود اظهار داشته است كه اتحاد و دوستي دولتين انگليس و آلمان بقسمي است كه در هيچ زمان نبوده و هيچگونه باب مخالفت و عنادي بين آنها باز نيست ميدان وسيع تجارت و صناعت در هرجا براي هر دو كافي است ما نبايد اعتراض بدولت آلمان نمايم كه چرا بر قواي بحري خود مي افزايد و نيز آلمانيان نبايد بر

فرصت براي برقراري انتظام جنوب مېداشت . تا وقتي روس مانع از اين است كه ايران استقراض ( كه سزوار يك دولت مستقني است ) نمايد مطابقه انتظام ما از ايران مطابقه ساختن آجر بي كاه است ؛ اگر ما كمت بيران در تحصيل قرض بكنيم آنوقت حق خواهيم داشت كه از دولت ايران منتظر انتظام بشويم . اگر ما بخوايم بشرايط روس به ايران قرض بدهيم دولت ايران نميتواند قبول نمايد و ما ناجر ميشويم كه قدم بقدم رو بصاحب در ايران پيش برويم

( امضا تراواينز )

### اخبارات خارجه

۳۰ در ( پوتسدم ) امپراطور روس به ايلات امپراطور آلمان آمدند آئين بندي رسمي و تزيينات مرسومي بعمل نيامد ولي نمايش قشون با كمال شكوه شد و پليس هر طرف نمايان بود . فرقه سوشيلست كه برخلاف روس اعلانات اشاعه نموده بودند با قوه پليس جلوگيري از اشاعتشان شد گرچه شباه مجلس كردند ولي بر حسب اعلاناتي كه داده بودند نطق داده نشد

۳۰ امپراطورين روس و آلمان توام بشكار رفتند و ورراري خارجه دولتين با امپراطورين ملاقي شدند ۳۰ پارلمان متحده ( كپتون ) تهيت نامه باعليحضرت جارج پادشاه خواهند فرستاد كه هم ماسف از فوت اعليحضرت ادورد هتم نموده باشند و هم تبريك تحت نشيني را گفته و تشكر از احساناتشان بخايد . § لارډ كچنر بسياحت مصر رهپار گرديد

۳۰ بموجب اعلانيكه از جانب پارلمان ( لس ) اشاعه يافته كه سايكه به جرم مخالفت جمهوريت برنوگيز مجرم شناخته شده اند عنو خواهند شد و بناهندگان خارجه را هم گناهشان منو شناخته شده و يك نلت جرم مجرمين قشون را نيز بخشيدند اند

۳۰ اعلاني در ( بگن ) اشاعه شده كه انعقاد رسمي پارلمان در مدت سه سال خواهد شد . متوسطين ايرين خبر مسرور ، ملتبان اين مدت را زياد ميدانند ، جرايد مينويسند كه قبل از انعقاد پارلمان تشكييل كابينه وزراء لازم است

۳۰ قرضه عثماني از آلمان هفت ميليون در سال جاري و چهار ميليون در سال آينده بسود صدي

ما معترض شونڊ که جبراً قوای بحری خود را زیاد می نماید

( ۱۰ نومبر - ۱۰ ذیحده )

نی رودخانه سین در پاریس طغیانی نمود مہاران در ارتفاع سد مشغول شدند و بواسطه سیلاب زیاد دوبرخی مقامات چراغ برفی روشن نگردید ولی اخیراً طغیانی رودخانه رو بکمی نہادہ

( ۱۴ نومبر - ۱۱ ذیحده )

نی در پارلمان (مادرید) غوغای غربی پیش آمد (سیواکای-یس) اظهار داشت کہ فرقه سوشلیست قطعاً برای اہدام سلطنت با فرقه انقلابی متفق شدہ اند

نی امیرالبحر (فرانسہ) دراطق خود اظهار داشته کہ دولت فرانس را لازم است قوای بحری خود را زیاد نماید و دولت انگلیس نیز باید قوت خود را اضافہ کند . چہ اگر آلمان با مسلمانان اتحاد نمود ممکن نیست کہ حیازات (دریہات) ہندوستان فرستادہ شود

نی بین دولتیں جمہوری میکسیکو امریکا بدین جہت مناقشہ پیش آمدہ است کہ یکی از امریکائیہان یک از اہالی میکسیکو را بتل رسایدہ و یک نفر اہالی میکسیکو بلیدی را در (اوکلاہوما) کشتہ است رؤسای جمہوری سنتر تفت و مستر دانید ساعی اند کہ نگذارند این مناقشہ بالا گیرد

نی فرزند (کرل مختاری) کہ سابق ہایدہ مصر بود در برلن تعلیمات نصائی یافتہ و کاملاً خیالاتش آسانی است ایک ہمہدہ وزیر بحری عثمانی نامزد گردیدہ است

نی در بودجہ کہ کابینہ عثمانی ہ پارلمان اسلامبول بابت سال ۱۹۱۱ تا ۱۲ پیش نمودہ شش ملیون لیرا کم بود داشته و از مجلس اجازہ گرفتن قرضہ را برای پر کردن جا خالی خواستہ اند

نی امپراطور روس باخاندان سلطنت از (دارمستد) بیوطن خودشان رہسار گردیدند

( ۱۵ نومبر - ۱۲ ذیحده )

نی در افتتاح پارلمان عثمانی اعلیحضرت سلطان در لطق خودشان اظهار فرمودند کہ در جمیع طبقات و عناصر مختلفہ رمابای عثمانی اتحاد کافی قائم است و از زیاد قوای بحری و بری عثمانی امنیت کامل

نی در چین حرکت (جنرل وون در گواند)

سفیر عثمانی در ضیافت نیم رسمی ضمن اطاق خود جام سحت اعلیحضرت امپراطور آلمان را تحویز نمودہ اظهار داشت کہ دولت عثمانی کمال تشکر را از امپراطور آلمان دارد کہ معلمین قشونی بہ عثمانی دادہ و در منہای سختی و پیش آمد مشکلات ویرا تأیید مالی نمودہ اند . نہاندہ آن در جواب اظهار داشت کہ امپراطور آلمان ما جوانان ترک کمال ہمدری را دارد و خواستش آلمان این است کہ دولت عثمانی بہ حیثیت ملی و قشونی و بلدیکی منہای قوت را حاصل بنماید

نی روزنامہ جات (اطن) در خصوص خلع سلاح اہالی یونان کہ از طرف کیسیون عثمانی مرتکب برخی مظالم در مقدونیا شدہ موضوع بحث قرار دادہ و مقالات طول و طویل در این باب نوشته اہالی یونان را خیلی افسردہ خواطر می نمایند

نی در لندن قرارنامہ قرضہ جدید دولت چین را صرفاًن امریکا فرانس آلمان و انگلیس امضا نمودند

نی دولت چین (وای اربو) را از دست خط نمودن برقرار نامہ جدید در خصوص تریاک منع نمودہ و از دولت انگلیس خواہش کردہ است کہ ورود تریاک را بحاک چین فوری جلوگیری باید . از راپورت داخہ چین چنان استفادہ میشود کہ در تدارک منع تریاک دولت چین کامیاب نگردیدہ و زراعت تریاک پیش از پیش راج است

( ۱۶ نومبر - ۱۳ ذیحده )

نی پس از مخابرات بسیار بین امریکا و اسپانیا طاقت چنین فیصل یافت کہ دولت مراکو ۲۶۰۰۰۰۰ لیرا تاوان جنگ (ملیلا) را بہ اسپانیا بدهد و اسپانیا تا وقتیکہ این تاوان را حاصل ننماید بہ صوبہ (رف) قابض باشد

نی لارڈ کروی اظهار داشته است کہ اعلیحضرت جارج ما علیا حضرت ملکہ برای تاج گذاری در جنوری سنہ ۱۹۱۲ ہندوستان رونق افروز خواہند گردید ( و این اول نوبت است کہ بادشاہ و ملکہ انگلستان در ہند آمدہ تاج بوشی نمایند )

( ۱۷ نوامبر - ۱۴ ذی‌قعدة )

§ لارډ (روزبری) تحریکات اولیه خود را تجدید نموده چنین رای داده است که مجلس اعیان چند نفر را از طرف خود انتخاب و اعلیحضرت نیز چند نفر را معین نموده و از آن بعد اعضای حکومت تعیین موکلین کرده سپس ملت تعیین وکلای خویش را خواهد نمود این رای به اکثریت تام منظور اوقناد

§ دوات ژاپون فرمایش تعمیر يك فروند جهاز (دریدنات) به کارخانجات جهاز سازی انگلستان داد. و مصارف راجع باین جهاز دو ملیون و نیم لرا تخمین شده خواست ژاپون این است که جمیع اسبابهای جهاز مذکور از دست‌کارهای انگلستان باشد ازین رو ظاهر می‌شود که ژاپونیان دست‌کارهای انگلستان را پسندیده اند و این فرمایش دوستی و اتحاد ژاپون و انگلیس را تأیید و محکم می‌باید

← تلگرافات روتر راجع ایران ←

( ۱۴ نوامبر - ۱۱ ذی‌قعدة )

§ بموجب تلگراف روتر از طهران - نظام‌السلطنه که سابق حاکم کرمانشاه بود بر حسب تجویز کبیون مخصوص فرمانفرمانی فارس منتخب گردید چون غالب آبادیهای بن‌شیراز و بو شهر مال خودشان است تا با رعایای خود و اقوامیکه در تحت امر او هستند با قشون رسمی امنیت راه را برقرار دارد

§ چهار افسران بومی و دو افسران سویدی رای نظام قشون فارس بمعیت ایشان خواهند بود

§ مخبر روتر چنین معلوم نموده است که بین دوات ایران و بنک شاهنشاهی مسئله استقراض فیصل یافته است و عنقرب حصه از وجه استقراضی را بانک تقدیم خواهد نمود

( ۱۵ نوامبر - ۱۲ ذی‌قعدة )

§ بر حسب خبر روتر از طهران بانک شاهنشاهی تصویه نموده است يك ملیون دو بیست و پنج هزار لیرا بسود صدی پنج بایران بدهد و سندات این استقراض بعد از وضع مصارف صدی هشتاد و هفت و پنج معین گردیده است قروض اولیه بانک شاهنشاهی نیز درین استقراض شامل خواهد شد و چنان معلوم می‌شود که بحساب علی‌حده از بانک شاهنشاهی دوات ایران سدهزار تومان که در برقراری امنیت جنوب صرف شود گرفته است

( ۱۶ نوامبر - ۱۳ ذی‌قعدة )

§ بموجب تلگرافیکه از یرسبرگ به طمس لندن رسیده جماعتی از ارباب سود دهه کپانی بن‌المللی در اتصال راه آهن قفقاز الی بلوچستان را کشیده اند ، که ادارات مرکزی این راه آهن در

پترسبرگ و انگلند و فرانس و مراکز دیگر باشد مخبرات این امر با ( لندن و پاریس و هین برگ ) جاری است ، و شروع این راه آهن از بادکوبه بسرخد ایران و از آنجا برشت و طهران و کرمان و سرحد بلوچستان تا ملحق شود راه آهن هند درنوشکی، ازین راه ممکن خواهد بود مسافرت از لندن یا بمبئی در عرصه يك هفته، دو تین روس وانگلیس در منطقه نود خودشان در ایران محافظ این راه خواهند بود

§ بموجب تلگراف بران دو جهاز تازه یکی باسم کاستان و دیگری بنام کرجستان کپانی هر برگ امریکا اضافه بر جهازاتی که در خلیج فارس می‌آیند عمده است

( ۱۷ نوامبر - ۱۴ ذی‌قعدة )

§ سفیر روس مقیم طهران از دولت برای اینکه در کاشان به بیرق او بختیارین احترامی نموده‌اند خواستار معذرت شده است

§ وزیر خارجه ایران اظهار داشته که هیچوقت وزارت خارجه نماینده را از روس در کاشان تصدیق نموده که او نیز رعیت ایران باشد ، معذالك اظهار تاسف کرده و وعده بسزای مرتکبین داده است

( ۱۸ نوامبر - ۱۵ ذی‌قعدة )

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که بواسطه گذشتن صدقزاق روسی از جلغا بخاک ایران وزارت خارجه بسیر روس در تهران پروتست کرده اظهار داشته است که باید قشون جدید وارد نمایند که مورت هیجان ملت گردد و ضمناً از قیام قشون روس در قزوین و تبریز شکایت نموده است

§ سفیر روس شام همان روز بتوسط ترجمان اول خود جواب داده که سفیر مشارالیه در خصوص قیام قشون از قبول هرگونه پروتستی منعذر است

( ۱۹ نوامبر - ۱۶ ذی‌قعدة )

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که سفیر دولت انگلیس در جواب اعتراضات دوات ایران بر یاد داشت دولت انگلیس نوشته‌است که چون بحث در قیام قشون خارجه خارج ازین مبحث است داخل در آن نمی‌گردد. و نیز اظهار داشته تا وقتی که امنیت قائم نگردد تجارت بحال خود باز گشت نخواهد نمود و همچنین اظهار داشته‌است اقداماتیرا که دولت انگلیس در یاد داشت (منباب پاریس جنوب) اظهار نموده بود هیچگونه دخالت در حقوق سلطنتی ایران تصور نمی‌شود. پس از آن اظهار داشته است که دولت انگلیس اضافه صدی ده بر کمرکات را بدین شرط منظور تواند نمود که وجه آن در امنیت جنوب صرف شود

( قیمت اشتراك )

المتين كلكته ( ولا حق اخذ ايونه بدون قميس ندارند و تاواني كه )  
( مشتركى را قميس مخصوص سال هجدهم دست نياشد )

( سالانه — شش ماهه )

( دوماه شان برى ضمانت نمیشود )

( هند و برمه )

نامہ مقدسہ

( ۱۲ روپيه — ۷ روپيه )

( ايران و افغانستان )

( ۵۰ قران — ۲۰ قران )

( عثماني و مصر )

( ۵۰ عجمي — ۳ عجمي )

( اروپا و چين )

( ۳۰ فرانك — ۱۶ فرانك )

( روس و تركستان )

( ۱۰۰ منات — ۶ منات )

# المتين

HABLU MATIN OF  
4, BRIDGE COLLEGE  
CALCUTTA

به امور اداره با

لى مؤيد الاسلام است

بر دوشنبه طبع

شنبه توزيع ميشود

يوه دوشنبه

۲۵ د نمده ۱۳۲۸ هجرى

( مصادف با )

۲۸ نومبر ۱۹۱۰ ميلادى

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصى بدون امضاى

معروف اداره درج نمیشود

## فشار همسايگان بايران

كسايكه آشنا باالم سياست اد انكار نتوانند نمود كه ازبند معاومه دولتبن كه ملكشان در ايران بوام و حرركات شائب مبنى بر بشرفت مقاصد يك ديگر بود. در آغاز امر محض اينكه بشرفتى به خود خود داده مقاصد سياسى خويش را از پيش ببرند ظاهرا يكي خود را حاسى ملت و ديگرى خويش را مؤيد دولت مينمود. ولى ز وقتيكه محمدعلى خلع و سلطنت مى قانم گرديد دولتبن علناً در مقاصد خود بر خلاف بشرفت دولت جديد قدم ميزنند. و حى كه اطاعتشان سلب است الزام به اين كابينه يا كابينه قبل و عدم انجساد سردار مى داده اعتدال و انقلاب را اساس حراى بنداشته و از اس اساس مواج صرف نظر نموده اند.

ما نمى گوئيم كه رجل سابق ولاحق و سرداران مى در بشرفت مقاصد قدسى به خطا بنداشته ، و يا خرد عرضى و همجسمى بايكديگر نكرده اند ولى عقیده ما اين است كه علت الملل جميع خرابيها و مانع كليه بشرفتها مقاصد ديپلوماتى همسايگان است، چه صرف نظر از اينكه همسايگان محرك جميع اختلافات داخلى ما براى بشرفت مقاصد خودشان ميشانند بصراحت سنگسار عظيمه در جلو عراد دولت گذاشته جدا او را از حرركت باز داشته اند ، و همين خود بالاخره سبب اعتشاش مملكت و عدم بشرفت مقاصد دولت و مابه اختلافات گرديده است، چه كتر كسى است كه مدافه در مواج حرركت چرخ مراده نمايد. هم نظرشان به كالسكه چبان است كه بارت از سرداران مى و وزراء باشند، اين است تصور آنها بدم لياقت و قابليت سرداران و

وزراء متوجه شده مزيد علت و اختلاف ميگردد بر احدى پوشيده نيست كه اصلاحات جديد بول و قائم نمودن امنيت نامه قشون مى خواهد كه آنها بدون بول غير ممكن است. و اين هم پوشيده نيست كه از زمان مظفر الدين شاه تا كنون خزيره ايران خالى است ، از آن زمان تا كنون دولت ايران هر وسيله خواسته استقراض حاصل نمايد و با راه اصلاح خزان مالىه را پيدا كند ، گاهى روس و گاهى انگليس و بيشتر توام مانع تراننى نموده دولت را بكاره حلوه داده مزيد اختلافات داخلى را فراهم نموده اند .

دولت جديد بعد از انقباد پارلمان بدو اى استقراض بدولتبن رجوع و پس از زماني طولانى آن شرايط را بش نمودند كه آزادى ايران را معدوم و مقاصد ديپلوماتى شان را تكميل مينمود ، ناچار از آن صرف نظر کرده ترتيب استقراض مى نمودند ، آرا هم بوضيكي همه ميدانند اسباب تخريبش را فراهم كردند ، از آن بعد برهن جواهرات سلطنتى مستعد گرديده روسپاش مانع آمدند ، برنخى عوارض جديد ايجاد كرد رعايائى خود شان را از ادائى آن ممنوع داشتند ، عاقبت دولت ايران با يكي از تجار نماه هاى لندن ( مزرع سليك من و برادران ) مخبره استقراض نموده دولت انگليس نيز بدو اى رضا داده ، دم اكتور دولت ايران رسماً قبول شروط ويرا نمود سنير انگليس مقيم طهران جدا مانع آمد كه دولت ايران جز از بانك شاهنشاهى ( كه آله بشرفت سياسى دولت انگليس شناخته شده و در تحت حايه بلنكي اوست ) قرض نبايد بكنند كه منافع انگليس تصور مى شود ، و براى فشار بايران در قبول استقراض

از بانک شاهنشاهی آن یاد داشت ( بالقی میتم ) را فرستاده شد.

با این همه جناب (مستراسکویت) در ضمن نطق خودشان در (دهال) میفرمایند «دولت هیچگاه مانع ایران در اصلاح مالیه و در بدست آوردن وجوه نبوده اند» اگرچنین است چرا باید بایده انگلیس در طهران مانع از جلب استقراض از تجارتخانه سلیمک من که او نیز یک از تجارتخانه های انگلستانست شود؟ چرا دولت ایران را مجبور می کنند که از قرار داد و قول صریحی که به تجارتخانه سلیمک من داده باز گشته و متاونه جدید با بانک شاهنشاهی بدهد؟ سفر انگلیس که مانع از استقراض ایران از تجارتخانه سلیمک من و برادران نه باین اسم شده اند؟ اگر استقراض از غیر بانک شاهنشاهی بشود با منافع دولت انگلیس منافات دارد؟ اگر استقراض پلندی در دست (سلیمک من و برادران) هم از بخار بدهد و هیچ نفعی با بانک شاهنشاهی ندارد. جز اینکه سرپرست بانک شاهنشاهی سیر انگلیس شناخته شده. این عرض اصلی نماد انگلیس این است ایران بدو از بانک شاهنشاهی قرض نموده سپس از بانک روس هم مشارک روس بهمان شرایط استقراض شده مقصود دیرینه شان که رعایت یک قرض توأم بحلق ایران و پیش بردن مقاصد پلندی که مدبر دارد انجام گردد.

مقاصد دولتین و احدی پوشیده نیست فشاریکه از طرف دولتین بایران وارد می آورد تمام برای پیش بردن مقاصد پلندی خودشان است درین صورت اگر الزامی بر سرداران و وزرای ایران وارد آید همانا مراعات حفظ دوستی و نزاکت سیاسی با آمان است. ورنه مانع تراشی های دولتین و جلوگیری از پیشرفت مقاصد ایران بلاصلا لازم و ملزوم اینگونه اعتشاشات است، کسایکه مواج حقیقی را ندیده باختلافات حزبی و مخالفت های مختصر که همراه در هر قوم و ملت موجود بود و خواهد بود می بیند، ما این اختلافات جزئی و مناقشات باریها که در ایران امروزه دیده می شود فرع همان مانع تراشی های دولتین میدانیم اشکارات (بویوربیا) و فتنه که برای کشیدن راه آهن در ایران پیش شده ثابت می نماید که همسایگان مستعد زیاده بر این فشار بر ایران گردیده اند، چنانچه ورود صد هزار قشون تازه روس به تبریز و ششصد هزار بقرین این نکته را بخوبی مدال میدارد، واندک لازم بدلیل و رهان نیست که دولت روس بدون مشوره با وزارت خارجه انگلیس چنین اقدامی نمود باشد و این فشارهای بی دربی همسایگان برای مجبور ساختن ایرانیان در قبول مقاصد آنان است

ایرانیان مراعات حفظ دوستی همسایگان و امیدواری بوعده های عرقوب آمان که نام نتیجه بی اسباب و مرعوبیت یا عدم آشنائی شان بحوالم پلنیک بوده همه روزه دارند نندهای عبودیت خودشان را سخت تر می نمایند. اعتقادی که ایرانیان بدولت انگلیس درین سه چهار ساله اخیر داشته و به باشرهای نرم دولت مشارالها خویشین را تسلیم صرف کرده اند خطائی بین و مسلکی و خیم العاقبت است. وقتی که بنا شود بدوستی و ریمان اسارت بگردن ما اداخته شود ما اینکه بدشمنی اندازند چه فرق خواهد داشت.

امروزه ایرانیان ما را تمام حجت همسایگان کرده و بدون خوف و درنگ بدیاران ما میگویند که اگر حفظ استقلال ایران ممکن باشد همانا در بیو بدیگران است و یقین کنند که ما بدون جناب سراد ردی وزارت خارجه انگلستان خارج از امکان است که تبدیل مسلک برای دولت انگلیس حاصل آید و فرض هم که ازاری خوا ان انگلستان فشار بر ادوردگری آورده او را از اقدامات در جنوب باز دارند حتمیاً روس از اقدامات خود در شمال باز نخواهد آمد، و یقین بدانند که ملت و دولت انگلیس اعم بر ابرال یا کنسرویتو برای ایران برحفاظت روس قیام نخواهند نمود. خشونت و مسلک روس هم بر احدی پوشیده نیست که تا زمان رساحت به بند ترک نیست ملاحظتیار نخواهد گشت و در شمال ایران امروزه دولتیکه مانع زیاده رفت تمام روس تواند گردید همانا آنها است که به ناندات آمان دارد کار میکنند ایرانیان راست که در این موقع نازک مانند سابق سهو سیاسی نموده و بوعده و وعید همسایگان و اصیبتناهای مهمل این و آن خویشین را به اسارت اندی بیندازند. امروزه راه چاره ایران منحصردر اتحاد با عثمانی و آمان است و یقین بدانند که همسایگان پیش از آنکه با هم دوستی در حق آمان روا بدهد در دشمنی نتواند دید، و باین معیت ایرانیان ما برادران عثمانی خود، روس را کاری از پیش نتواند رفت، و ضمناً هم کابینه وزراء باید مستعد باشد و سرمایه کافی قبل از وقت مهیا کنند که دیر بازود رسماً یا غیر رسماً ملت دولت ایران در ایلی بخارجه و پروتست از حرکات بر مشروع همسایگان مجبور خواهند گردید، و آن وقت که فردا ماملات ایران رجوع به یک کانفرانس بین المللی تواند شد، ولی دو نکته اهم را نباید از مدنظر دور داشت که اول بایکات امتعه روس باشد و ثانی عند اتحاد صمیمی بین سرداران و رؤساء و متحد ساختن کابینه ایرانیان بتوسط روحانین برای اقدامیکه هم اقرب مجبور بر آن خواهیم گردید.



چه بزورگان فرموده اند (القتل اولی من رکوب العار) و هرگاه بشر ازین سرعوبیت را باسم نزاکت و برداری بر خود بیاراند وقتی خواهد آمد که باندازه فزون روس در ایران موجود شود که قادر بر مدافعه آنها باشند تا زود است باید ترس که مقدمه سرکاست کنار گذارده بکار برداخت و فراموش نماید که تدارکات روس در قزوین برای ورود بطهران و باز گردیدن محمدعلی است و اگر امروز جلوگیری نشود فردا یک دفعه عاجز و ناجار خواهند گردید

عذر بدتر از گناه

آشنایان جرایم یاد دارند که نوشتجات محمدعلی در تحریک ایل تورکان به تائید اشرار زهدران دست دولت رسید و چون دولت روس و انگلیس ضامن صحت حرکات محمدعلی و کنار جوئی او در بلنیک ایران شده و دند دولت جدید ایران عهدت کنی محمدعلی را که برخلاف قرارنامه بود از روی آن طایفه وی قانوناً قطع میگردد بسمارتین روس و انگلیس رسماً اطلاع داد که بدول متوعه خودشان طاع بدهند پس چند روزی در ادایه یکی از قسای وظیفه محمدعلی تسامح شد و این تسامح نیز (و حسب بدد است رسمی وزارت خارجه ایران) مبنی طاع تراشی مایه دولتین در امر مالیه دولت بوده آگاه سفارتین روس و انگلیس مأمور مخصوص به سرورارت خارجه گذارده و جداً مطالبه وظیفه محمدعلی را نمودند و با اینکه وزارت خارجه ایران و عده صریح در ادای وجه مذکور برای چند روز داده بود معذاتک مأمورین سفارتین اقیاع نشده در درب وزارت حانه خارجه نشسته حتی وزارت خارجه که بحانه شخصی و قیام گاه مخصوص خود هم رفت محصلین سفارتین او را رها نموده در عقب وی ماند سایه روان شده تا وقتیکه از وزارت خارجه وجه دیویات نمودند

وزارت خارجه ایران یادداشتی بسفارتین فرستاده و پروتست نموده بود «حرکات آنها با وزارت خارجه یک دولت مستقلی علاوه بر اینکه مورت توهین است مخالف با قوانین بین المللی هم هست و سنارت هیچ دولتی مجاز نیست که اینگونه وجوه را بذریعه مأمورین سفارت مطالبه نماید»

از تلگرافات این هفته ظامری می شود که جناب سر ادوردگری وزیر خارجه اسکاتلند جواب پروتست مذکور را بطریق عذر بدتر از بنا داده اظهار داشته اند «حرکت سفارت ما مبنی به قانون مجریه مملکت شما است» هرگاه درست دقت شود دیده خواهد شد که

جناب سر ادوردگری از این جواب هم اقرار به بی قانون سنارت خودشان نموده و هم عذری بدتر از گناه آورده اند چه روابط و تملقات یک دولت با دولت دیگر مبنی بر قانون بین المللی است و بر فرضی هم که این گونه حرکات قانون مجریه ایران هم باشد سفیر یک دولت نمی تواند از تکالیف خود که قانون بین المللی است تجاوز نماید شاید اگر وزارت خارجه ایران این جواب غیر کافی را هم قبول نماید صرفه بحال سفرای خارجه نداشته باشد زیرا که اگر بنا شود سفرای خارجه با مأمورین دولت اعمال قانون سروجه داخله را بنمایند و قانون بین المللی را به یک سو بپند ناجار مأمورین آت دولت هم ما سفرای خارجه همان سلوک را اختیار خواهند نمود مردا مورت شکایت و گناه نباید بشود یعنی اگر فلان سفیر خلاق نمود و وزیر خارجه و حسب قانون مملکت او را تأدیب کرد نباید مورت شکایت گردد

و حال آنکه امروزه به تصدیق جمیع دول و اعلان رسمی دولت ایران سلطنت مشروطه است و اگر این گونه واقعات در داخل گاهی پیش آمده باشد مبنی بر اصول دلبخواه دوره استبداد بوده است و هیچ ربطی به امروزه ندارد که جناب سر ادوردگری میخواهند مصدقه حرکت سفارت خودشان قرار دهند

حق ایست که جناب سر ادوردگری از این جواب علاوه بر اینکه قانون محترم بین المللی را پشت یازدهد یک آنکه تجاوز بر قانون خواهی دولت اسکلیس هم وارد آورده اند ایرانیان راست که بدقت در این جواب عور نموده حقیقت و حیثیت قانون بین المللی را بداند و درجه پای بندی دول متمدنه را بقوانین بین المللی ملتفت گردید و بدانند که پای بندی دول قویه در مقابل دول ضعیفه به قوانین بین المللی تا حاتی است که صرفه آنها اقتضا نماید و گاهی که صرفه خود را در تجاوز دیدند بلا درنگ تجاوز نموده و یک جواب بی ربطی طرف مقابل را ساکت مینمایند ظامری است که وزارت خارجه ایران که امروزه قدرت معارضه ندارد هرگاه جوابی سخیف تر از این هم بشود ناجار به سکوت و تسلیم خواهد گردید

پس هرگاه ایرانیان می خواهند دول ساثره با آنها از روی قانون بین المللی رفتار کنند قبل از همه چیز باید تحصیل قوتی بسزا نمایند که در موقع شنیدن چنین سخنان غیر قانون مقتدر ترك علائق سیاسی با آت دولت باشند و یا بتوانند جوابی علناً در مقابل آن جواب بدهند و این هم ممکن نیست

مگر اینکه قادیان ملت ترك خود غرضی نموده دست اتحاد يك دیگر داده تشکیل يك قوت صحیحی برای حفظ استقلال خود بنمایند، و بدانند که پروتست بدون قوت آخرین نتیجه اش هاست که دیروز سنارت روس ما و ارت خارجه ما نموده و قبول خط رسمی وی را نموده، و امروز هم وزیر خارجه انگلیس با سخنان غیر قانونی زمان ما را می بدد، چرا که ایران دارای اتدات ترك علاقه سیاسی بدنه تنها قادر بر حفظ حقوق خود می گردد بلکه مسایگان شان حریت می نموده که پرامون این گونه جواب های سیر قانونی بگردد

سؤال و جواب

( با بی از مقربین دولت الدوله )

( سردار عشایر )

پس از اشاعه بونه دولت انگلیس بوزارت خارجه ایران با بی از مقربین سردار عشایر ملاقی و درین موضوع سنوالی چند مسخره حوالا که یاقم برای استحضار حاضر مبارک میفرستم  
سؤال - آیا از بونه دولت انگلیس بدولت ایران اطلاع دارید ؟

جواب بی - عین آن بونه را از طهران تلگرافاً اطلاع داده بودید

سؤال - عرض ازین بونه چیست ؟

جواب - این بونه مبنی است بر حایه بختباریان که متجاوز از يك قرن است که انگلیسان ذمه گرفته اند - چون هیجان عامه خصوصاً اتحاد سرداران جنوب را برخلاف بختباریان مشاهده کرده اند ، با این بونه تهدید بمخالصین بختباری و رؤسای جنوب نموده که اگر بخود نیاید جنس و جنان کنند

سؤال - آیا شما متکراتشاشات جنوب هستید ؟

جواب - اعتشاش جنوب يك معنی قابل الاسکار نیست، یعنی از هفت سال باین طرف اوضاع جنوبی ایرا چنانچه شاید و باید اطمینان بخش می باشد - ولی اعتشاشیکه سبب این بونه بشود به سابق و نه حال در جنوب دید شده و می شود

سؤال - عقیده شما این است که این بونه را دولت انگلیس بی جبهه بایران پیش نموده است ؟

جواب - خیر - ولی جهتش را اعتشاشات جنوب نمیدانم - چه اعتشاشات جنوب تمام خود آورد است و بعقیده رموزدانان همان قسمیکه محمد علی میرزا پس از آنکه در مقابل استقامت غیرمندان آذربایجان و گیلان خویشتر را مقهور یافت بدعوت قشون روس در تهدید اهالی شمال قیام نمود - همین قسم هیئت نافذ که روحش سردار اسعد شناخته شده به

تهدید رؤسای جنوب که فقط مخالف باشخص اویند به دعوت دخالت انگلیس در جنوب مصمم شده اند ، ورنه چه جهت دارد که کلیه بلاد جنوب را بحکومت گذارده اند ، و چرا با همه استمداد ظفر السلطنه قدسی در امنیت فارس برداشت - در کدام موقع ظفر السلطنه اقدامی نمود که مانع در جلو دید

سؤال - بسیاری همچو می بندارند که مانع امنیت جنوب ایل قشقانی است ؟

جواب - هفت سال کامل است که مملکت فارس

میشوش و احدی نمیتواند بدلیل ثابت کند که ایل قشقانی مورث انتشاش و یا عیگری شده و با دست بقتل و قارت حائی دراز نموده باشد ، چه واقان میدانند اگر این قشقان ماسد سائین جنبشی محالاً نموده بود تمام جنوب را زیر و زبر می نمود - حالا اگر دشمنان برای پیشرفت مقصد خود تهمت زنند نزد عقلا قابل التلیم نیست - برای اثبات مدعا خوب است شمه رجوع بواقعات اخیره و د تا حقیقت امر معلوم گردد - لارستان و سبزه حات را بی القوام با ایل بهارلو و عرب و غیره غارت نموده یا مشقانی ، سیرخان و بندر عباس تا دهنه حراسان را ایل بهارلو و عرب و غیره حاکس را به توبره کردند یا قشقان ، راه شیراز تا اصفهان در جیاول سارا ایلات است یا قشقانی ، آیا ایلات سائره فارس با حپار کیانند ، از يك قرن باینطرف بهارلو و عرب و سایر ایلات فارس در اختیار خاندان بی القوام اد و برعالمیان پوشیده نیست که خاندان قوام را سردار اسعد محض پیشرفت مقاصد خود در فارس صاحب اختیار نمود و صراحتاً اقدام باین حرکات می نماید - تنگ که سهل است توپ هم همین ایلات شریر و دوستی نمسارف نمودند - ولی از طرف دیگر ملاحظه نماید که يك و نیم سال متجاوز است ایل قشقانی امنیت راه بوشهر تا شیراز را ذمه گرفته ، اگر مال التجاره سلامت رسیده از نگران آنها بود و جمیع نجار بوشهر و فارس مصدق این فوند - و سردار عشایر اتمام جنوب خاصه از دهنه بوشهر تا اصفهان را ذمه گرفت از او باینجه دولت هم خواست ولی محض رقابت و عداوت ایلاتی سردار اسعد مانع گردید

سؤال - آیا شما منکر خدمت سردار اسعد و بختباریان بمشروءیت ایران هستید ؟

جواب - این سؤال خیلی دقیق و قابل التفصیل است - خدمت بر دو قسم است - يك خدمت صمیمی بلاعوض بوطن که نزد عقلاء و دایمان قابل التمجید میباشد مانند خدمتیکه سرداران و اهالی غیور تبریز در راه مشروطیت نمودند، و پس از آنیکه مشروطیت

برقرار آمد خواستگار هیچگونه عوض نشده خود  
شان را در نظر اهالی سائر بلادی قرار دادند که  
به هیچ وجه خدمتی بوطن خود نکرده بودند -  
خدمت دیگر از قبیل خدمانی است که سردار  
اسعد و سایر بختیاریان در راه اعلی مرتبه و مقام  
خویش کشیده و می کشند، درست ملاحظه کنید  
معلوم خواهد شد که تمام زحمتها که بطاهر در راه  
مشروطیت بختیاریان کشیده و می کشند مبنی بر همان  
زحمتی است که بزرگان و ایل قاجار در اواخر زندیه  
می کشیدند آیا هیچ تعریبی برای آنها در خدمات ملی و  
وطنی می تواند قائل شد که در ماده ایان قائل شوید،  
باز اندکی بنظر دقت سگرید و از خیالات مکدونه مطلع  
گردید، ایل بختیاری هیچگونه مرتبتی بر ساز ایلات  
ایران داشتند جز اینکه حامی استبداد محمد علی بود،  
و هروقت دستشان رسید بنارت و قتل و چپاول بندگان  
خدا بش از سائر ایلات اقدام کرده اند، و حتی این سز  
تادرجه جلی آنها شده که درین موقع نازک هم در  
طهران از چپاول حاکما در حمله بر یارک انک کی  
نکردند، و همین قسم طرق و راه هائیکه با آنها سپرده  
شده نام و باسم دیگران بچپاول اموال مردم مشغولند،  
چیزیکه بیشتر از همه مشوب بودن خیال بختیاریان را  
ثابت میکند مواد دلیل است

(۱) بمجردیکه سردار اسعد وارد طهران گردید  
کاریکه نمود این بود که حکومت های بلاد را  
در خوانین و عشیره خود تقسیم کرد، حتی ایالت  
بررکی مانند کرمان و بلوچستانرا بیک بجه بختیاری  
۲۰۷ ساله بخشید، و در هرصطه که بختیاریان یا گذاردند  
اهالی را بخاک سیاه نشاندند و رایگان ثروت های  
سنگفت اندوختند

(۲) تا جائیکه ممکن بوده و هست قوای قدیمه  
دولت را مضمحل و در ادارات قشونی افراد  
بختیاری را شامل ساختند

(۳) بوسائل مختلفه خدام مشروطیت و روساء و  
سردارائیکه درین جاده خدمت کرده از کار انداخته بدنام  
ساخته قوای دولت را منحصر به بختیاریان ساخته اند  
آیا ستار خان کتر از سردار اسعد خدمت کرده  
بود؟ آیا سرداران گیلان چه نکردند که بختیاریان  
کردند؟ آیا هیچ عقل سخینی با این همه قرآن میتواند

و گیلانی وغیره همه خائن بوطن و ضد مشروطیت  
و ارنجایی و فقط یک نفر سردار اسعد مشروطه  
خواه و خادم حقیقی وطن باشد، آیا میتوان گفت  
که در شصت کرور نفوس ایران فقط هفتصد هزار  
بختیاریان قابل خدمت بوطنند؟

(۴) کلبه قور حاه و ذخیره و اسلحه دولت را  
بهر اسم و رسم که توانستند بین بختیاریان تقسیم و  
دولت را ضعیف و خود را قوی ساخته اند

(۵) ملاحظه نشه و بهارم قشون را نماید که  
باشاره وزارت جنگ امروز بختیاران که نوکر مخصوص  
سردار اسعد است ۹ کرور مصارف برای سی هزار  
قشون معس شده که هشت کرور آن برای شش  
هزار و یک سکرودش برای بیست و چهار هزار  
دیگر، دویز نقشه چه پلنیک بکار رده شده بر  
دامان پوشیده نیست،

اول اینکه باین نقشه دویست هزار قشون کتابچه  
دولت را عاقل و باطل ساخته قوای دولت را به  
سی هزار هفتی نموده است

دوم چون زاید بر بیست هزار پیاده و سواره  
نمی توانستند از ایل بختیاری بگیرند خواستند قوه  
دولت منحصرا بایل بختیاری شود و ده هزار دیگر را  
هم که از سائرین بگیرند آنها را انصری رؤساء ایل  
بختیاری چه در مقابل آنها کاری از پیش نتوانند  
برد

سوم چون موافقین خالص سردار اسعد از ایل  
بختیاری بیش از شش هزار نمی شود آنها را فوج  
خاصه قرار داده اند، گویا باین نقشه میخواهند هم  
نصف مالیه دولت را برده بر ثروت خود بیفزایند  
و هم قوای شصت کرور نفوس و مملکتی که چهار  
برابر فراسه و سلطنتی که تا دیروز براری یا بونوی  
با سلاطین بزرگ داشته به ده بیست هزار بختیاریان  
خاتمه دهند

(۶) نقشه های جدیدی است که در طهران  
برای تبدیل سلطنت از خاندان قاجار به بختیاری  
ریخته می شود که کشف آن امروز موافق  
مصلحت نیست،

سؤال - ازین بیانات شما معلوم می شود که  
نقشه تبدیل سلطنت در پیش است؟ آیا بختیاریان که

بست که دارای خون ایرانی نباشند؟

جواب — من درین موضوع داخل نمی شوم که بختیاریات ایرانی و قاجاریان غیر ایرانیند، چه باصول تمدن جدید همینکه توالد و تناسل و زبان و مذهب و عادات اهالی یک آب و خاک در جماعتی اثر نمود آن جماعت را از اهل آن مملکت میتوان گفت، اصلاً امریکائیا انگلیس ولی امروزه رضا میدهند که با آنها انگلیس گفته شود. و ازین رو قاجاریه را هم ایران باید گفت، ولی چیزی که قابل غور و تأمل میباشد این است که یکصد و بیجاه سال قاجاریان ایران را ویران ساخته و خون اهالی را مکیده تا امروزه حیثیتی پیدا کرده اند که چه در تعلیم و تمدن و آداب و اخلاق و چه در ثروت و ثمول و چه در اصول حکمرانی و بزرگی مزیت بر سایر طبقات ایران خاصه ایلات پیدا کرده اند، معذاک پس از یکصد و بیجاه سال سلطنت درین خاندان سلطنت بدست شخصی ماسد محمد علی میرزا شاه مخلوع می اوفتد که کاشف حاش افعال وطن فروشانه اوست، صرف بصر از ساز مایب این نقشه جدید اگر صورت بندد باید ایرانیان یکصد و بیجاه سال دیگر گرسنگان بختیاری را سیر و وحشیان آنان را متمدن ساخته تا یا الله بی مثل محمد علی میرزا از پناه آنها پیدا شود. کدام دایل عقلانی موجود است که پس از استیلا بختیاریان برای ایران و ایرانیان استبداد جیلی پیشه نکرده از قاجاریان بهتر باشند، چه حالا که ابتدای کار است علامت بیکی ظاهر نداشته اند، از یک طرف در جایدن مال مردم اول نمره و در قلع و قمع نمودن و ذیل ساختن سرداران و رؤساء و خدام حقیقی و صن گوئی سبقت از محمد علی هم ربودند. گذشته بر این باید غور نمود، اصاف بر صدهزار نفوس ایرانیه از مردم بقیه و صند قرآن مشروطیت شده و ملهار ما خساره عالی و اهالی در طریق آزادی خوامی وارد آمده اگر چن امری پیش آید گویا تمام این فده ها در راه بروی کار آمدن یک جماعت که تعلیم و تربیت و حتی شده، و در صورتی که استقلال ایران محفوظ ماند مانند ادوار سالفه ایرانیان در قید استبداد گرفتار خواهم بود، نهایت سابق عبید و امام قاجاریه بودند ازین و بعد عبید و امام بختیاریان خواهند گردید علاوه بر این اگر بختیاریان

به نقشه خود کامیاب شوند کان نمیرود که انقلابات در مدت بست سال از ایران مرتفع گردد. زیرا که هیچ یک از ایلات ایران را سراغ نداریم که سر اطاعت به بختیاریان خم نماید. پس باید جمیع ایلات ایران که کمتر از ده کرور بست نمود و مدموم گردند. و این نامریست کوچک که از قوه فعلی توان آورد و بر فرض اقتدار هم نفوذ خارجه در ایران هرگز بختیاریانرا فرصت بدینکار نتواند داد، درست باید بار یک شده که اگر بنا شود که تحت حکومت شخصی روی محمد علی بهتر از دیگران نبود. انهم تلفات حانی و خسارات مالی برای آت بود که تحکات شخصی مرتفع و قوای فردی مندفه گردد.

امروز وفق ملاحظه شود سردار اسعد قوت دوات را منحصر بیک مشت بختیاری ساخته و ازین رو تحکات شخصی او نیز چه و مجلس وجه بر کابینه جاری است. آزادی به تهدید قتل از وکلاء برداشته شده. هر وزیریکه برخلاف سردار اسعد نخواهد بوظایف خویش عمل نماید فوراً از مسند وزارت علیحده میشود. مسلم است که اگر ناصر الملک بیچاره را هم بگذارند بایران آید با همان تهدیدات مگو اورا مجبور باسقم خواهند نمود و مسند نیاب سلطنت را برای مقدمه بدست آوردن سلطنت مبدعه خود خواهند گرفت. ولی رنگ ریزان این نقشه راه صواب به پیوده و خیالاتشان به خطاست. چنانچه رنگ ریزان دوره محمد علی هر نقشه که کشیده اند جز وخامت بحال آنها نتیجه نخشید. نتیجه که ازین نقشه برخیزد همان دخالت خارجه و محو استقلال این سلطنت شش هزار ساله خواهد بود، چه ایران ازین و بعد اگر خود را از دخالت خارجه مصون داشت به جمهوریت نزدیک تر است تا با استبداد و رفتن زیر بار تحکم یک طایفه مخصوص

سؤال - آیا ازین سخنان شما استقام غرض و عداوت با ایل بختیاری نمیرود؟

جواب - من دعوی دوستی با بختیاریان نمیکنم ولی خداوند را حاضر و ناظر گرفته میگویم این سخنان مبنی بر عداوت و اغراض شخصی نیست. من میگویم که در سلطنت مشروطه قوای شخصی سم قاتل است من میگویم سردار اسعد از سائر سرداران ملی و بختیاریان از سائر مجاهدین بیشتر خدمت نکرده اند.

هان قسبیکه سائر مجاهدین و سرداران ازوا گزیدند -  
 سردار اسعد و مختیار با هم باید ازوا گیرند . وقوت  
 را منحصر بدولت قرار دهند . کدام مایه است  
 که این مشایخ حسی را درک نماید . در حکمتناجیه  
 دوات دویست هزار قشون از سرباز و سوار و  
 توجیحی باسم و رسم موجود است فقط سوبه آذربایجان  
 دارای می هزار سواره و پیاده و توجیحی بود چه  
 شدید این سواره و پیاده ها ؛ که در هر نقطه و  
 هر منافعه باید مختاریان را بجان ملت باندازند و  
 کلیه قشون دوات را معدوم سازند - این حرکات  
 برای چه و نشی از چه خیال است ؟ شاید برخی  
 انگویند که قشون دوات بی با شده بود - اولاً این  
 سخنی است که بکله هیچ دامانی فرو نتوان برد -  
 چه همه میدانند که با شدن قشون دولت عبارت  
 ازین بود که صاحب منصبان و رؤساء فوج بجای  
 هزار نفر فرضاً سیصد نفر سرباز و سوار داشتند  
 و خرابی عمل افوج کلیه از صاحب منصبان بود -  
 اگر اعراض دیگر درین نبود بهمان اصول قشون  
 دولت را اصلاح نموده و حیث و عین سرداران  
 را دفع و رفع کرد . دولت را در اندر خارجه و  
 داخله آ این بیه حرار و زبون می ساختند و سی  
 هزار قشون بری او تعیین می نمودند - مطابق با  
 کدام عقل است که بنیان کپه را قبل از تعمیر  
 تجارت جدید خراب نماید و اهالی داخله و خارجه را  
 جور به دولت سازند ! وقتیکه مردم تصور میکردند  
 دولت دارای دویست هزار قشون است فوریت  
 در فشار او نمی کوشیدند - حالا که معلوم گردیده  
 که آن قوای دولت را از هم پاشیده و منحصر بچند  
 هزار مختاری شده است از هر گوشه و کنار صدای  
 مخالفت بگوش میرسد

و هرگاه اعتشاش ایرارا خود آورد هم نگوییم  
 باید ازین قشر بزیرا دایم . اگر دوات بهمان اصول  
 قدیمه قشون میگرفت و ریعام میکرد و یا یک عده  
 را هم بر دست بطرز جدید بزیر سلاح می آورد  
 به مختاریها باین خیالات دور و دراز می افتادند و  
 نه سایر ایلات بجهت می آمدند ، من میگویم اگر ما  
 هست دولت جدید قشون از ایلات بگیرد نباید  
 اختصاص به ایل مختیاری داشته باشد ، دولت از  
 جمیع ایلات به تساری قشون سواره و پیاده اتحاد

نماید تا میزان اعتدال از میابث نرود و اختیار  
 سلطنت و مشروطیت و مجلس بقضه یک نفر رئیس  
 ایلی نیوفتند و همه را آله پیشرفت مقاصد خود  
 نکرده اند ، و اسباب رقابت و همجوشی سائریالات بزرگ  
 نکردند ، و امتیازات فضل در ریاست قشون و حکومت  
 ها برقرار آید ، هیچ لازم نکرده است یک سوار  
 مختیاری که خوب تیر انداخته از عهده حکومت و  
 ایالت و سرداری قشون و در بنورم جدید هم بر آید ،  
 هیچ معنی ندارد اگر کسی در راه مشروطیت خدمت  
 کرد خویشتن را مالاک رقاب ایران قرار دهد و بیوض  
 چند تیر ، قشون که خالی کرده مستوجب وزارت  
 و سلطنت و همه چیز باشد ، تا وقتیکه سردار اسعد  
 و مختاریان مانند سایر مجاهدین و سرداران از کار  
 کنساره نگیرند و بگذارند دولت دارای یک قوت  
 ممنوی شود محال است اطلاعات ایران رفع گردد ،  
 اگر سردار اسعد و مختاریان حب جاه و منصب  
 را بر حب وطن ترجیح نمیدهند خوبست خودشان  
 مایه سائر سرداران و مجاهدین از کار کناره گیرند  
 آنوقت ما تصدیق نواجم کرد که آنان در راه  
 وطن و ملت خدمت کرده اند ، ورنه برای چه علو  
 مقام و مرتبه و اعراض شخصی هر قوم و طبقه  
 اینگونه اقدامات و سخت تر ازین ها را نموده و  
 هیچ نام یک تاریخی هم نبرده اند

سؤال ، در پیشرفت نوبه دوات انگلیس چه  
 تصور می کنید ؟

حواب ، سابق عرض کردم بقیده من این  
 یاد داشت خود آورداست انگلیس است هم ملند  
 روسیان بایران دعوت شده اند ، ولی انگلیسان مردمان  
 دامانی اند و میدانند که اگر عملاً اقدامی نمایند  
 مبتلا بزبانات عطیمه خواهند شد ، چه مسلماً ایلات  
 و کوهستانیهای خود را زبیرا تکالیف افسران  
 انگلیسی نخواهند آورد ، اولاً تجارت انگلیس در  
 جنوب معدوم خواهد شد و اعتشاش قسمی بالا  
 خواهد گرفت که با بخواه هزار قشون هم تا سلامتی  
 دراز انگلیس از عهده امنیت بر نیاید ، چه اهالی  
 کوهستان و ایلات جنوب مانند دیگران تاکنون  
 خون ایرانیان فاسد نشده ، و مسلماً اگر اقدامی  
 بشود ماجر به زدو خورد های عظیم خواهد گردید ،  
 قشقانی دارای صد هزار در خانه و باغ و ششصد

هزار نفوسند، ایلات خمه، بهارلو، عرب وغیره  
 وغیره نیز جمعیتی بزرگ می باشند و همین قدر ما  
 هم کومستانی ما از بوشهر تا اصفهان موجود اند  
 که روی هم رفته اگر حساب شود سر به سه کرور  
 خواهد زد، و چون نفوذ کله روحانیت در ایلات  
 و کومستانی ما زیاد است غیر ممکن است که صدائی  
 از جانی بلند شده به آسودگی انگلیسستان مقصود  
 خویش را از پیش ببرند، و همینکه در یک نقطه  
 زد و خوردی ولو مختصر واقع شود روحانین بر حسب  
 تکالیف شرعی خود بهیجان آنان خواهند کوشید،  
 مسلم است ایلات به علم کم تربیت و کومستانی جاهل  
 پر شور و نتر که ابداً عاقبت اندینی ندارند در آن  
 موقع چه وضعی را پیش خواهند گرفت؟ خصوصاً  
 دو دکنه باریک هم در کار هست که طبعاً هیچ یک  
 ایلات تن باطاعت در نخواهند داد. یکی اینکه معلوم  
 شده است که این اقدام برخلاف منافع آهست  
 دیگر آنکه در اذهان آنها چیزی گرفته است که این  
 مهلمان بنا بر حایه بختیاربان آمده اند، اگر دولت  
 انگلیس هم بخواهد به تأیید بختیاربن این مقصود را  
 از پیش ببرد مسلم است که مزید بر علت خواهد شد،  
 چه تمام هیجان کنونی به مخالف با دولت و مشروطیت  
 و سلطنت و مجلس است بلکه بر ضد بختیاربان  
 میباشد و هرگز ساز ایلات باطاعت بختیاربان راضی  
 نخواهند شد و مزید نفرشان از انگلیس هم خواهد  
 گردید، و اگر نخواهند از اهالی جنوب قشون گرفته  
 با اهالی جنوب بجنگ در آیند آنها خیالی است خام  
 که نتیجه جزو خامت نخواهد بخشید و هرگاه قشون از  
 هند بیارند کار رنگ دیگر خواهد گرفت و به اندازه  
 مشکلات و ذمه داری در جلو انگلیس باید که طحرای  
 افغانستان و ترانسوال را فراموش کنند، و این را  
 هم باید دانست که سکوت اهالی شمال در قیام قشون  
 روس بیشتر بواسطه اطمینانهای بوده است که دولت  
 انگلیس در اخراج آنان داده و همینکه انگلیس  
 خود را هم مانند روس بدخالت جنوب مشغول دارد  
 آن طمینان مرتفع و خیالات ایرانیان کلیه مشوب و یقین  
 به ترمیم وطن محبوب خود کرده در آن حال خواهند  
 نمود آنچه را که تا کنون ننموده اند، و بید نیست  
 یک مرتبه انقلابات بلتیکی داخله تبدیل بهیجان مذهبی  
 برخلاف خارجیان بشود، آنوقت انگلیسستان خواهند

دانست که با ریسبان بوسیده بجای رفته اند، و ذمه  
 داری بزرگ بیفایده را برای خود خریدند، ازینرو  
 ما همچو تصور میکنیم که دانایان انگلستان بدین اقدام  
 سر تا پا زین تن در نهند

سؤال - اتحاد رؤسای جنوب مبنی بر چیست؟  
 جواب - این اتحاد یک باطنی دارد و یک ظاهری  
 اما ظاهرش همان است که از فصول اتحادنامه مترشح  
 می شود که خدمت مشروطیت و حفظ استقلال مملکت  
 وغیره است، ولی باطن آن مبنی بر حفظ مقام  
 رؤسای جنوب است، چه پس از آنکه سردار  
 اسعد روی کار آمد ضدیت و مخالفت و بنا بر عداوت  
 دیرینه ایلاتی و هم خاکی مصمم محو و اعدام رؤسای  
 جنوب گردید، زیرا همچو تصور میکردند که سردار  
 اسعد بواسطه سزهای بی در بی اروپا و خیالات عالی  
 که در لایحه مخصوص در روزنامه کشکول بدو ورود  
 بطهران اشاعه داده بود عداوت های دیرینه ایلاتی  
 و خیالات شخصی زمانه قدیم را از سر بدر کرده  
 در مقابل جنین نام بلند بختیار آزادی گرفته و  
 دست اتحاد با سائروساء داده کشتی شکست خورده  
 وطن را از گرداب فنا خواهد رهاید، ولی (خود  
 غلط بود آنچه ما بنداشتیم) چون نیت خاص  
 نبود اولین حار راه پیشرفت مقاصد خود را رؤسای  
 جنوب و سرداران جلیل القدر آذربایجان و گیلان  
 دانسته همه تن در محو و اعدام آنان کوشید، رؤسای  
 جنوب نیز چاره خود را در اتحاد با یکدیگر و حفظ  
 استقلال و مشروطیت ایران دیدند

سؤال - چه تصور دارید با نشایکه انگلیسستان  
 درین موقع به سردار ارفع که یک از ارکان اتحاد  
 تلافی رؤسای جنوب است داده اند، چه این واقعه  
 تباین نامه با بیانات جنابالی پیدا تواند نمود

جواب - من هنوز کاملاً نمی توانم درین موضوع  
 رأی خود را ظاهر دارم چه کاینبنی اطلاعات کافیه در این  
 خصوص نیافته ام ولی در صورتی که این هم یکی از  
 شاه کار های بلتیکی تصور شود منافاتی با بیانات  
 بنده نخواهد داشت و کان بیرون که جز چرکین  
 شدن اتحاد تلافی بطرف داری خارجه خلی بمقاصد  
 آت وارد آید، چه این اتحاد بر طبق امضای  
 روحانیت شده بود، شک ندارم که این واقعه اتحاد  
 تلافی رؤسای جنوب را ولو بر هم نزند نزد ملتبان

بآمدن زیر حایه انگلیسان جرکین تواند ساخت و همه تصور می شود که مقصود انگلیسان هم برهم زدن همین اتحاد و زبردست نمودن آنها به بختیاریان می باشد. و این نکته تا زمانی که از کله مردم خارج شود و صورت خارجی پیدا نماید اندکی طول دارد و خود تصدیق دارم که این امر برای سردار ارفع عاقبت بجای نفع زبان خواهد بخشید

سؤال - آیا ما این حال شما اطمینان به بجای اتحاد رؤسای تلافی جنوب دارید؟

جواب - عرض کردم درین موضوع فعلاً نمیتوانم رأی خود را کاملاً اظهار دارم ولی در صورتهی که اتحاد رؤسای جنوب باقی نماید کاف عبود که فائده بحال مخالفین این اتحاد به بخشد. چه امروزه این مشقه تا درجه رجوع به آراء عامه شده و آراء عامه بر آنچه ما گفتیم تا یک درجه همراه است.

سؤال - در انقلابات اخیر ایران رؤسای تلافی جنوب چه خدمتی کردند که امروزه امید همراهی از ملت دارند؟ آیا چه چیز مانع آنها بود که در خلع محمدعلی شاه با بختیاریان و گیلانیان همراهی نکردند

جواب - این نکته است که در نظر اول خیلی صحیح و درست می آید ولی کسیکه از کله کار باخبر اند میدانند که بزرگترین همراهی آنان عدم اطاعت از احکام محمدعلی رحلاف منروطیت بود برعکس بختیاریان که با سر محمدعلی در مقابل تبریزیان رفته و حصه بزرگی از آنان تا دم واپسین شمشیر در راه استبداد و محمدعلی زدند. و حرکت بختیاریان بطرف طهران وقت شد که قشقاییان با سپهدار اعظم در گیلان مخبرات سری نهاده مستعد حرکت شدند چنانکه بختیاریان اظهار معیت با سپهدار اعظم کردند بواسطه مناقشه ایلی که بین بختیاری و قشقایی بود سپهدار قشقاییانرا از حرکت بطهران منع نمود، گذشته بر این هرگاه پیشقدمی در خدمت انسان را مستوجب هرگونه مزیت قرار دهد این فخر فقط منحصر به سردار و سالار ملی و اهالی عبور آذربایجان است و همین قسم سپهدار اعظم و سردار محلی و ساز غیرتمندان گیلان قدم در خدمت داشتند که امروزه

از تمام اینها هم اگر صرف نظر شود این نکته قابل تأمل است که درین یک و نیم ساله اخیر که سردار اسعد و بختیاریان بدعوی مشروطیت خود را پیش انداخته اند کدام خدمت و کار روانی از روی صحت شده است؟ هنوز نصف و کلاهی مجلس از ولایات جلب نشده، تاکنون یک اداره را ریشخام نکرده و یک طایفه از قوانین صادره از مجلس بموقع اجرا نیامده. کتر ولایات و ایالتی دارای حکومت و والی است. فقط چند شهری را به بختیاریان تقسیم کرده اند که آنها حائس معلوم است. هر یک از احکام قدیمه که اظهار اطاعت از سردار اسعد داشته ولو اهالی را آتش کشیده با همان اصول استبداد بجای خودش رقرار داشته اند. قشون دولت معدوم گردید، آنها مواجب قشون و وظایفی که قطع شده و آنها تخفیفی که در مصارف سلطنتی داده اند با آنها وجوه اعانه و آنها مالیات جدید کجا رفته است که برای مصارف فرستادن یک اردوی مختصر خویشان را مجبور باستقراض ظاهر میدانند، بودجه مملکت که رکن و رکن مشروطیت است چرا تاکنون در برده حجاب مانده؟ استقراض ملی که قانونش از مجلس گذشته بجه واسطه در برده خونگی پنهان گشته و دست مستقراض نزد خارجه دراز میشود؟ چه اطمینانی در کارهای دولتی در این یک و نیم سال اخیر بملت داده شده است؟ - مجلس سنا که رکن و رکن قانون اساسی است چرا منتهی نمیشود؟ مستشارهایی خارجی ولو از دول کوچک چرا طلب نمودند

این نکات دال است بر اینکه کار کردن و پیش بردن اساس مشروطیت مد نظر نیست. این پیش آمدها ثابت میباشد که هنوز روز اول است و تا وقتی که اساس صحیحی بروی کار نیاید ایران دارای مشروطیت و استقلال نتواند گردید. این است که رؤساء جنوب مصمم بانجام مواد معنوی مشروطیت شده اند

سؤال - در این صورت آیا امنیت جنوب بی دخالت خارجه ممکن است؟

جواب - چنانچه گفتم بقید من اگر دستی اغتشاش نیاندازند هیچگونه ناامنی در بهانه دخالت

است که سردار اسعد از دخالت بکارها دست کشیده و دولت را بگذارد بخودی خود کار کند - مثلاً اعتشاش کنونی شیراز را خود حاضر و دیدید که هیچ سبب خارجی نداشت و اشاره بود که از مرکز به بی القوام شده آنها هم قسمی که بر احدی پوشیده نیست اسبابش را فراهم کردند - عجب این است که بطهران هم رپورت دادند که قشقائی وارد شهر شده و این نکته را خواسته اند مزید قوت نوتة اسکایس گردانیده اجازه حصول استقرار با هم اردو کشی بجنوب از مجلس حاصل نمایند - اطاب این است که تمام شهر ملو از قزاق و قشون و رئیس قشون هم بصرالدوله است - آیا قشقائی مرغ شده و از هوا پرواز کرده بشهر در آمد ؟ چطور قشون ساحلو شهر هیچ حمایت از آنها نموده ؟ یا مزه تر آنکه قشون که بصرالدوله برای حبابه یهود فرستاده بود ماساز اشرار همدست شده دست بغارت دراز کردند - اگر اشاره مرکز نبود و بی القوام شرکت نداشتند و اگر واقع عرضشان از حفظ یهود بود و قشون برای جلوگیری از اشرار فرستاده بودند چرا نباید يك نفر از قشون و اشرار مجروح شوند ؟ این بازی تمام برای فشار آوردن به مجلس و گرفتن اجازه در فرستادن اردو به فارس و بدنام نمودن قشقائی است - ولی غافل اند از اینکه این اتریک ما ازین و بعد بی نتیجه خواهد ماند و امری باین آشکاری را نمیتوان مستور داشت - حالا هم اموال غارت شده یهود را دارند از مردم میگیرند، خوش تر آنکه بیشترش ازینش کسانی بیرون می آید که خویشین را بسته به بی القوام فرار داده اند امنیت جنوب بلد کلبه ایران منحصر در این است که بختیاریان از کار کنار آورده و يك حکومت بی عرض بی طرفی بهارس فرستاده شود و دست بی القوام را هم از دخالت باموورات حکومتی کوتاه کند - آنوقت دیده خواهد شد که ابدأ صدائی از هیچ جا بر نمی خیزد و هیچگونه پناه هم بدست خارجه نمی اوفتند و اینهم در صورتی ممکن است که کابینه وزراء آله اغراض غرض رمان نشده مفصودشان امنیت مملکت و پیشرفت امور مشروطیت باشد، و اینهم موقوف بر آن است که سردار اسعد مخالفت در کارهای کابینه ننهد و بکلای

مجلس نکرده و بختیاریان را از مالک بر قاپی ملت جدا سازند و مجلس را بحال خود بگذارند

### حبل المتین

ما کار بصحت و سقم این بیانات نداریم و از تنقید مطالب صرف نظر می نمائیم فقط همین قدر میگوئیم که ای مدعیان وطن خواه ( وطن در خطر است ) ما وقتی دعوی وطن خواهی را قبول توانیم نمود که درین موقع نازک خطرناک که استقلال ایران بموتی آویخته نزرگات ترک غرض رانی و عداوتهای دیون گفته یا بوقت دیگر گذارده مادر وطن را از اسارت اجاب محفوظ دارند ورنه مدعاوی زبانی و الزام بیکدیگر حقانیت ثابت نتواند شده، وطن خواه کسی است که در این موقع نازک باستفانه مادر وطن توجه نموده دست از اختلاف بردارد، امروز هم قائل استقلال ایران نفاق و اختلاف است ولو به نیت خیر خواهی وطن هم باشد

ما برای توجه رؤساء جنوب و خوانین بختیاری نقشه ذیل را از روز تا پنج لندن نقل نموده تا معلوم نمایند که ایک به تجزیه شکم گریه که کتایه از حصه آزادان بر حسب معاهده دواتین است قیام نموده اند، و اگر اختلافات ما نالا گیرد قطعاً همایگان بمقاصد خود مائل خواهند آمد، در آنوقت نه از اقتدار بختیاریان چیزی باقی تواند ماند و نه از تجمل و تجمل رؤساء جنوب

عجبا ! آیا مدعیان وطن خواهی حاضر شده اند که برای عداوت های ایلاتی و غرض رانی های شخصی مادر وطن خود را با جانب سپارند ؟ آیا فرق بین محمد علی و شاه چه خواهد بود ؟ عقلا در هر کار نظریه نتیجه دارند، نتیجه آن وطن خواهی که علت مداخلت بیگانه شود چه تفاوت با وطن فروشی خواهد داشت - کابینه وزراء چه حالند، وکلا در چه خیالند، آیا هیچ تصور میکنند که این اختلافات نتیجه اش چه خواهد شد ؟ آیا هیچ شور می نمایند که چه نام زشتی از خود در تاریخ دنیا بیادگار خواهند گذارد ؟ چرا ناز بین ایلات را مرتفع نمی دارند چرا استقلال شش هزار ساله مملکت را محفوظ نمی سازند و باسم اعتدال و انقلاب و نزاع های شاهی و ایلاتی ملت را به بیجان آورده اند آیا میدانند که اگر در این موقع نازک ناوره جنگ خانکه بلند شود جز اینک خانان







بهین وسیله زمین ایران را از سالدات روس پاک نمود  
و به جیب دول و ملل اروپا بفشانند که هنوز عرق  
غیرت در بدنمان نه خشکیده است

دویم - تا وقت است متحد شده نفاق داخلی و  
جنگ خانگی را از میان برداشته و تشکیل استقراض  
داخلی بدهند بر صاحبان ثروت و احباب است که دولت  
متبوعه خود را بگذارند که به جهت استقراض دست  
بجانب خارجه دراز کرده و آنها بشرايط خانه ویران  
کن قرض داده دوباره مارا در ورطه بلا اداخته  
که دیگر استعلاص مان از جنگ تطاول آنها  
عیر ممکن باشد

( من آنچه شرط بلاغ است تا تو میگویم )

( تو خواه از سحرم بد گیر و خواه ملال )

در جاه اگر کس است يك حرف بس است

( دور افتاده وطن )

### مدرسه سعادت بوشهر

هر چند ترتیب و تنظیم کذا معارف در ایران  
بطوری معدوم است که فی الواقع نمیتوانیم بگوئیم  
معارف داریم ولی تا وقتیکه این وضع نامعجار در  
کار است باید از ترتیبات مخند که در نقاط مختلف  
ایران برای ترویج دانش بشود تمسک کنیم و مخصوصاً  
در مورد استعسان ما ضرور و مقتضی است که  
ترتیب معموله حسن نتیجه داده باشد و با وجود  
نبودن ادارات صحیحه معارف آن مقصودی را که  
منظور بطر معارف خواهان است حاصل کرده باشد  
از مدرسه سعادت بوشهر چندین فقره ذکر و اشاره  
کرده و همواره خوشنودی خودمان را از وجود  
آن دارالمعارف در جنوب اظهار داشته ایم ، حالا  
هم که صورت محاسبه سالیانه آن رسیده مقتضی  
دیدیم مختصری بیان نمایم -

از زمان افتتاح این مدرسه که تاکنون تقریباً ده  
سال است بدون انقطاع در نشر معارف مشول بوده  
و از صحت عملی که در ترتیبات آن بکار رفته از  
بعضی تبدلانیکه گویا در ایران لازم ملزوم بعضی  
ادارات مصون بوده و همین خود دایل بر اینست  
که جنس ایرانی اگر بعضی خصایل بایستدیده را  
بیکسو گذارده و با جدیت و بیفرضی به تعقیب اسر  
عام المنظمه اقدام کند بخوبی میتواند از عهده کار بر آید  
و تمام این خرایم - اینکه در امور محتافه مسارخ

میدهد جزء اعظمش همان فساد اخلاق و سوء نیات  
است و گرنه در هر کار که تا اندازه جدیت و صافی  
نیت مرعات شود حتماً نتیجه مطلوبه حاصل خواهد  
شد - از بسکه ما ایرانیان خودمان را این عقیده  
مستند میسازیم که از انجام کارهای صلاح برنی آیم  
دیگر آنقدر حسن و حرکت مانی نمانده که نهیمیم  
ما هم در عالم خدلی و طایف داریم که گذشته از اینکه  
هنوز در مقام اجرائشان بر نیامده ایم اقلان برای  
فهمیدن آنها هم اقدامی نکرده ایم ، اینست که هر  
شعبه از امور مملکت خراب و تمام اهالی ایران که  
باید از فواید آب کارها بهره ور شوند جز  
بطهار عجز خود کاری نمیکند - هر چه امروز  
روزیست که باید تساقات را بکسو گذاشت و همت  
عالی را بفعالیت نه بتوالیت کشت - دایل محسوس  
ما وجود همین مدرسه است که اگر مثل سایر کارها  
مورد غفلت شده و اساس محکم گذاشته نشده بود  
بشک تا حال معدوم بود و آن نتایج سود مندیکه داده  
نمیداد و آن زیادهای سعی که عدمش فراهم آورده  
بود تاکنون در کار می بود -

در حایکه خطه جنوب سالما از نعمت مدرسه  
محروم و بولواگان آن دیار از تربیت و تعلیم بی بهره  
مانده و بوحشیگری وجهالت ناری آمدند تجردیکه  
این مدرسه دایر شد و بسای کار گذاشت تفاوت کافی  
میان آنهاست که در آنجا تعلیم یافته و آنهاست که بطلات  
بار آمده بودند محسوس شده ، چنانچه غالب تلامذ  
آن حالا در ادارات دواق و غیره مستخدم و موظف  
شده و نحای اینکه بر حسب ترتیبات میشود قدیمه  
حلال و مزدور شود هر يك اندازه درجه خود  
صاحب میباشند ، مقرون بلیاقت است گردیده اند و  
اگر خوب ملاحظه شود این نتیجه مرضیه از  
اقدامات و توجهات آقایان و کلاء مدرسه حاصل شده  
که با صفای بیت همواره مراعات امور این اداره  
علمیه بوده و پیوسته در این مشروع مقدس بذل  
جهد کرده اند ، و نذالك بشرفت داخلی آنها از  
ترتیبات تعلیمیه است که از تجارب و خبرت  
جناب آقا شیخ محمد حسین مدیر مدرسه سلمه الله  
بقدر لزوم در آنجا اجراء یافته و شهید الله اگر  
بجاهدات صادقانه ایشان در کار نبود نه تنها این آثار  
خیریه حاصل نمیکشت بلکه اساس مدرسه هم که

مروزه لزومش بر هر کس اظهر من الشمس است از بدعات اضمحلال مصون نماند و از اینرو حق زرکی بر گردن معارف پژوهان ابراست دارند و خوی ایشان هم جناب آقا شیخ عبدالکریم معلم ول مدرسه که در ترقی این امر عام المنفعه همیشه لازمه سی و دقت کرده و گذشته از وظایف تعلیم و تدریس بتالیفات مفیده در نشر معارف سعی بوده‌اند و مستوجب تحسینات و افتخارات ارباب دانش اند - توفیقات همگی را از درگاه الهی خواستگار میباشیم -

### کرمان

نتیجه بی‌علمی ما این است که بعوض وطن‌خواهی و افتخار آفاق که وطن در محاضره و ابرهای تیره افق ما را احاطه نموده علاج نمانیم، باید خود را مشغول مشاجرات جزئی نموده دفاع از ارباب عرض کنیم، مقصود از اخبار نگار جبل‌المتین در شماره (۴۶) سال (۱۷) در تحت عنوان گفت شبخا خوب‌بورد آورده این بوده و هست که ادارات نظریه عدلیه ابالی و غیره نام باید مطابق نظام نامه باشد و همه چیز را میتوان بجهت ضرورت و حفظ بیضه اسلام بجویز علمای اعلام مشروع ساخت، بجزاره تعرض بامضاء علی‌زاده تبریزی در شماره (۱۱) سال (۱۸) که معلوم نیست کیست بجهت دوستی و هواخواهی تمام ایرادات را تردید کرده که شب تنگ میزدند، از تاسیس نظمیّه صدا تمام شد ما هم ممنونیم که همان تنگ زنده ما را جمع کرده مواجب دادند

دیگر تریاک ۳ شاهی مالیات دارد اهم بعد از آنکه مدت ۱۲ شاهی بداره هشت شاهی بصاحب مال میدادند حکم دولت رسید ۳ شاهی و در وقت کسی خلاف به نوشته .

ایده جناب آقا میرزا اسمعیل فتوای جهاد داده این دروغ محض بر این شخص محترم که سی سال است مدافع مصلحت و نشر فضائل مشغول بوده اگر دونه بجهت صلبه هانا خلاف قانونی هم کرده باشند چه مداخلت نایشان دارد، جواب این توهین را خود داد ایراد ننندند که در آخرت بدهند، انوس این است که این کار بانی ها وقتی رسید که مابون نظمیّه و غیره پرده اعمال شایسته بپاره شده «و رسول خانه انگلیس نحصن اختیار نموده روانه

خراسان شده بودند، رئیس نظمیّه میرزا حسین خان خود اقرار دارد که معاون نظمیّه خرابی کرده و شوه خورده خیال فتنه داشت حق دو نفر آدم کشته بجزئی و شوه صرف نظر نکرد و تمایب نه نمود و الا رئیس نظمیّه میرزا حسین خان مجاهد مشغول خدمت و در سیرجانب خدمت بزرگ کرده در اخبارات محض تشویق انتشار دادند

البته توبه اسواق و ممالک مدوح است اما سکوی کاسب فقیر که ده نفر حال را از این محل باید نان بدهد بدون اینکه او را راضی و آسوده نمایند جایز نیست، خرابی‌های اصلی را باید اول آباد کرد اشاعه منکرات و اماحه مسکرات در شهری که اغلب در بیخوله‌های کارخانه بسر برده در مسلمانان سعی و از عقل محروم بوده بجهت جزئی دخل که صد دینار بجهت دولت فایده ندهد چه حاصل دارد، آخر یکسال است ملک را بدون توبه بار گیر از مردم نصف گرفته و در صورتی که صد فرسخ نمک‌زار داریم بنیمت یکمن بکفراش دریغ رسانید - حالا که بودجه رئیس مرسولت ملاحظه شده ما گرفتن کرک از عموم اجناس سی و بیج تومان بعد از خرج عاید دولت شده

بتول مظفری بوشهر ماهما چشم از معادش پوشیده بباست و سبزی توجه داریم جناب حجة الاسلام آقای حاجی میرزا محمد رضا سلمه الله از ریاست انجمن ابالی و جناب آقای آقا شیخ محمد تقی مجتهد سلمه الله که نایب رئیس بودند بجهت همین ماه‌الایات استمفا نموده انجمن ابالی که تعطیل نمود برای چه بود، مردم نه بجاومت مستقیم راضی هستند بری چیست، تمام زحمات عقلای داخل و خارجه ما از این تغییر سلطنت در مدت هفتاد سال زحمت این بود که دولت ایران و ملت شیعه منقرض نشده مثل یهود متعرق نباشند استقلال داشته باشند فرنگان استهلال مسکرات را جلوگیری نموده که رعیت علاوه از خرج و اصراف به بلاها مبتلا نشده طاماً که حرام میدادیم و شارع مقدس بر ما حرام کرده فی الحقیقه همین حرمت شراب و قمار و شدت مجازات آنها معجزه و دلیل جفاقت مذهب است بجهت جزئی دخل او را مباح نمانیم و مرتکب را مدح گوئیم زهی

جہالت زہی بی شعوری خلیفہ شہر باف کہ با نہایت آزادی عہد زہر طار کردہ زن فاحشہ در مجلس عام برقصاد آنوقت مرتکب قتل ہم بشود آزاد باشد؛ عجب مشروطہ عجب دیانت و عجب اوشاعی است اینک بختیاربان کہ مؤسس مشروطہ میباشد، یک نفر مدبرالدولہ اصفہانی وقعی باحکام و تلکرافات حضرت سردار احمد و سردار طغر نگذاردہ انکہ بزورک بروی بختیاری نہاد مال مردم را غارت کرد بالآخرہ در انجمن ایاتی گفت ، من خبر ندارم صارم الملک گرتہ بروید مطالبہ نمایید اینک معزول شدہ رفتند.

مجدد راہبا خراب امنیت برداشتہ دزد ہای فارس بمرکت آمدہ راہ یزد را مغشوش کردہ ما با نہایت عجز قول یکی از کلمیں وا تصدیق داریم کہ امروز باید حکومت کرمان و بلوچستان تا دو سال تسامی باشد، یعنی حاکم صاحب علم مشروطہ خواہ مامور شدہ در مدت دو سال جدآ سرکشرا و مشروطہ خواہان دروغی را تیبہ نمودہ طایبات را وصول، قشونی کہ لازم است معین کردہ ہمہ جا را امنیت دادہ ، بعد از دو سال متدرجاً شروع بتأسیس ادارات در تمام بلوکات نمایند، لاکن اگر فقط بجهتہ دخل باشد تا قیامت کارها اصلاح بدبر نیست، عما قریب ہمایہ عوط خودرا زیاد و بمقصد نایل خواہد شد، جانی کہ عموم خلق از کاسب و ضابط و بوکرحتی نائب ایالہ و معاون نظمہ و غیرہ بہا بہ خارجہ برند و آنہارا آسودہ نمایند ملجاء نداشتہ باشند این چہ مشروہ و اوضاسی است.

میگویند سابق یک شخص شامرادہ بزرگ شجیب حاکم بالاستقلال بود اگر جریمہ میکرد سیاست می نمود حق یا فاحش یکی بود لامحالہ جلوگیری از اشرار داشت احترا ت مذہبی با بود. امروز در (ماہان) فاش روید در باغ مردم دزدی کردہ شب محصول مردم را بردہ وفق صاحب مال بضابط محل میگوید دزدما میگویند شرف ما را خراب کردند مشروطہ را باز بچہ قرار دادہ ، ضابط مردم را غارت نمودہ میگوید مشروطہ است ما باید حق بگیریم مجازیم ، امروز کہ حضرت والا جلال الدولہ بمحکومت کرمان نامزد شدہ مرگاہ با نیت خامس و ملاحظہ خدا و دولت و وطن خود تشریف آورده یا ہمراہی عقلا

بی غرض این ایالت وسیع فسیح را امنیت دادہ هرکس را بجای خود نشاید خیال آبادی داشته باشند ابدالہر نام ایشان بہ نیکی بلند و ممکن است دہ کرور نیز دخل از معادن زرخیز و املاک طافیہ بلوچستان بہ برند، ساہا باقی باشند، و الا کہ باز نقطہ دخل موقق باشد و فریب اغراض اشخاص را بخورید حال معلوم است و باید فایحہ این ایالت سرحدی را خواند و سرحد دوات جنوبی داشت ما جب القلم نمودہ من بد تہاشا خواہیم کرد

شیراز

اوضاع فارس کہ مسلمان نشود کافر نہ بند عدلیہ و محله یہود را بالمرہ غارت کردند، تحصیل آت و سبیل اختصار این است کہ یک طفل دو سہاہ از حصرات جدید در دہ روز قبل منقود شد ، پس از ہشت روز آن بچہ را درجائی کہ چندین زخم پاو زدہ اند روی قبرستان یہود پیدا میکنند ، آت طفل را در باغ نزد نائب ایالہ آورده آقایی قوام می فرماید کہ در عدلیہ ببرید ، میبرند در عدلیہ ، عدلیہ میگوید کہ باید این مسئلہ ثابت شود، کہ بکندہ، میریزد عدلیہ را غارت می کنند و بعد از آن در محله یہود ریختہ تمام محله را خراب و غارت کردند. سربازی ہم برایہ مستحفظی فرستادہ شد خود آہا با اشرار ہمدست شدہ بای غارت را گذاردند از آن بعد شہرت دادند کہ قشقائی ہم با اشرار ہمدست است تا عروب آفتاب مشغول غارت بودہ ، مردای آت روز قوام الملک و نصرالدولہ شروع بہ پس گرفتن اشیاء غارتی نمودند ، روز است کہ اسباب جمع میکنند ، یہود میدویند کہ دو کرور مال ما غارت رفته است ، خیل از تریاک و قیرا را بدست آورده اند مشکل است نصف اموال غارتی ہم بدست آید. روز بروز اوضاع فارس بدتر و اتصالاً بردہ جدید بالا میرود . عجباتاً قزاق با سوار در شیراز و اطراف دارند گردش مہمایند ، خارجه ہم کہ خواطر محترم مسیوق است کہ چہ میکنند

امروز مادر موتمن الملک کہ مادر عمال نصرالدولہ باشد فوت شدہ گرفتار برداشتن جنازہ میباشد

جبل المتین

بعد از مادداشت دولت انگلیس ظاہر است

که دانايمان منتظر اينگونه واقعات و پيشت از آن بوده و هستند

### عربستان

اشرار سكوند دو روز قبل بطرف كتوند كه قربه ايت تاين شوشتر الى دزفول رفته هشت‌گانه گوسفند و چهار صد گاو و حيوانات ديگر به غارت آورده از كنار رودخانه دزفول عبور دادند احدی قوه چون و چرا داشت، و هم دو روز گذشته آقا جواد سيد قائد عسكر نام را كه در شهر آمده با گلوله زده است، فعلاً قايد مذکور مجروح است تا چه شود، ابدأ ترتيب در كار نيست تا چه مقدر است

حبر رسیده چهار صد ديگر سوار و بياده سر راه شوشتر آمده برای بنماي قافله

### جبل‌المتين

تمام واقعات جنوب از شايخ و خيمه اختلاف مركز است و تا وقتيك اختلافات از مركز مرفوع نشود اميد امنيت در هيچ نقطه نبايد داشت

### اروميه

اوضاع ارومي محمدالله از توجه اوياي گرام و پشت بناه ملت و ربا سازنده اين اساس مقدس و از اقدامات صائبانه حكومت وطن پرور روز بروز معلوم و مرتب الوار و اشرار كه چند سال بود بر اين اهالي بچاره روزها را تيره و تار و خاك مذلت و رقيت بر سر شان بيخته بودند مغلوب و مقهور راه فرار پيش گرفته هيچي در گوشه پنهان شده اند، ادارات را تشكيل دادند اعضاي عدليه منظم از اشخاص محيب معروفين ارومي هستند، و عموماً اشخاص كافي كردان معارف پرست ميشند و از روي احقاق حق بعارضين رسيدگي مي فرمايند،

اعضاء اين مجلس از جانب خود حكمران حاجي ميرزا تقی آقا كه از اشخاص كافي كردان و مشروطه طلب است رئيس قرار داده اند، اجزاء هم شعاع دفتر كه حقيقتاً خدمات وطن پرورانه ايشان چه درين دوره چه در دوره هاي سابق اظهر من الشمس است، و ناصر لشكر و معين الاياله و از جانب تجار هم سه نفر وطن پرور و داد گستر كه با عموم از روي عدالت

را از خداوند مسئلت مينمايم و مخصوصاً خيلي بايد تشكر كنيم كه مصادر امور و اوياي جمهور مثل اجلال الملك را كه حقيقتاً روح آزاد است ماين مشت رحمت فرموده كه دقيقه از همراهي و رعيت نوازي بطور مساوات نفلت ندارند ( خادم ملت لطيف حسين زاده )

### لنگه

از بد بختي دولت و ملت ايران روز ۲۲ شوال اخبارات اراحييف زياد شد، كاغذ وقاصد ها از بنادر شبكو رسيد، مردم از هر طرف بنماي استعداد و بعض اسبابهاي خود در جهازات حمل و اعاب دكها را خالي كردند و بخانه هاي خود بردند، قريب دو هزار روپيه بجهت برج و اطراف شهر جمع کرده و ۱۲ برج بنا نمودند و عموماً در تحت سلاح و حاضر دفاع شدند، آقا بدر ملاقات نايب الحكومه رفت، بعد معلوم شد قصد رفتن جهاز دارد، يكي از دوش پرستان بمجرد شنيدن رفت قبل از حرکت محرمانه گشت، در اين موقع رفتن شما مجهاز صلاح نيست و عاقبت خوني ندارد، جواب داد رايم بازديد ميروم و حال آنكه آنها ديدن نيامده بودند، آن دوش پرست شيخ احمد خا ولد آقا شيخ ناصر خان رئيس تفكيجي اطهار داشته بود، كه ما ميدانيم كسي ديدن نيامده، و از حرکت شما دو اينموقع خيلي اشكالات پيش تواند آمد، و اهالي خيلي خيالات ميمايند، نايب الحكومه اعتنا نكرده و با آقا بدر رفت در جهاز و قونسول هم در جهاز بود، بزبانهاي چرب و تمارقات ايراني قول و نوشته بجهت بياده كردن سولجر و توپ از ايشان گرفته و بياده شد، در عقب جالبيوت ها بر از سولجر مقابل دارالحكومه با توپ بياده شدند، در وقت حرکت سولجر و توپ با امر كبتان و صاحب منصب برده بيري ايران را پائين كشيدند و عموم مردم كه محض تماشا آمده بودند اغلب شام گريان ملاحظه ميشدند و بعضي بي شرفان در كمال خوشحالي بودند، و خود نايب الحكومه با كمال خنده روئي همراه صاحب منصب و سولجر رفته اطراف لنگه و خانه و منزل و سنگر و غيره را با ايشان نشان داده، عموم مردم

یا کال پی شرفی جواب داد که محض امنیت شما آورده ام .  
 پس از عروب که مراجعت کرده رؤساء تفنگچی که حکمران از تبابی فرستاده بود اعتراض مینمایند که ما را بجهت چه فرستاده اند آیا چه اتفاقی واقع شد . آیا چند نفر کشته و دستگیر شد . که شما سولجر و توپ بیاده گردید ، نجار و هموم اهل شهر بخصوص اوزی و بستکی و بلوکیها سخت اعتراض نمودند که ما در کال استقلال وجه بجهت برحبا داده و خوردن قریب دو هزار نفر در تحت سلاح آمده بخارج ما خودمان چه جبهه داشت شما توپ و سولجر بدون اطلاع و مشورت ما بیاده گردید . صبح رود رت منزل آقا پدر و این قوسل انگلیس پس از ملاقات مشارالیه بکلی حاشا کرد که ادا ماخره من سولجر و توپ بیاده شده ، و من نوشته به دادام و نه قول ، خودشان بیاده کرده اند .

۲۴ خلی از شیخ مذکور محمده حاجی عبدالله حاجا ما ماشوه که فرستاده بودند رسیدن باین مصروف . که جهت ما آمده و در جہاز سوار شد . و طرف لنگه محض محافظت شما می آیم فشنگ آدوقه حاضر باشد . حاجی عبدالله آن خط را آورد نزد قوسول انگلیس و استدعا نمود که اینها محض محافظت میناید ، نگارند که سلامت برسند و ما بیست هر از ایشانرا در جہاز گرو میگذاریم که هرگاه برحلاف حرکت نماید هر شکل صلاح بداید محاربت شوند ، قوسول جواب داده که ایشان خبر دهید هرگاه بیاید ، دستگیر و جہاز ایشانرا عرق دریا میکنیم ، اگر آنهایکه خودش ایشان ا دعوت نموده بودند فوراً از واه خشکی و دریا اطلاع دادند که مراجعت کنند ، آن خط فعلاً در نزد قوسول موجود است ، تا امروز قریب ۲۰۰ نفر سولجر ما تحت عراده توپ پیاده نموده اند ، پنج شش اطراف ولایت سنکر بسته اند . دو توپ بزرگ بیج توپ مسلسل ، و چنان شهرت داده اند که امشب حضرات عظیم وارد میشوند ، کلیه شب مشغول کشیک و جہازات چنکی جراع های برق اطراف همرا می گردانند ، تا اکنون بیج قضیه واقع نشده ، لسانالسلطان هم آنچه

موجودی گمرک بود با بودن جہاز خراسان برد در جہاز انگلیس تحویل داد ، و بخارج جہاز را که رفته بود بعباسی از نایب الحکومه مطالبه نمود ، جواب داد مینروستم خدمت حکمران هرگاه قبول نمودند داده خواهد شد ، محض کار دولتی بود ، بعد فرستاد از تجار مطالبه وجه مصارف نمود ، خواهی سخت شیبید ، سکوت کرد ، کاتبان چهارفاکس و قونول رفتند در نزد ( شوخا ) که یکی از ریشسفیدان عواس های عرب است برسیدند چند نفر تفنگچی دارند ، اطهار داشته ۲۰۰ هر ایکه فشنگ کم است قریب ده هزار فشنگ از جہاز محمده ایشان بیاده نمودند که خود و اطباءش محافظت نمایند ، و هر اتفاقی واقع شود در شب خود و کتاش از محل خارج شوند ، و مردم اطلاع دادند که شب احدی خارج داخل نشود ، ۲۵ آقا پدر در جہاز ( ادین ) بطرف چارک روم و مقام و جبرو سفری شدند مطلب معلوم نیست ، ایکه ظاهراً محمده گره اری شیخ مذکور رفته اند ، ۲۶ قاصدی از عباسی از طرف حکمران رسیدن بنایب الحکومه و حاجی عبدالله حاجا ، که شما اطمینان بمردم دهید که چهار طهارانرا بمسقط محمده فشنگ فرستاده ام همین قدر رسد خودم لنگه میایم معلوم میشود خبر بیاده شدن سولجر هنوز با ایشان رسیده و یا نه . اهل عارفه نموده اند ، خطی از شیخ مذکور بجهت حاجی عبدالله حاجا رسید که واسطه باد قوس آمدن دشوار است خوست هم از خراسان را برسند که ما را بلنگه رسانند ، که اردوی که دار و تراکه از خشکی نرسند ، باکتی از علاءالحسن خان اشکنای محمده حاجی عبدالله و حاجی عبدالهادی رسیدن بدین مصوم که ادا ما قصد لنگه نداشته و مداریم و شماها در کال راحت نشید ما محض تقویت شیخ مذکور بجهت مقام و مربع و جزیره شیخ آمده ایم ، اهل لنگه از بخار و کسبه پیر و جوان در تحت سلاح میباشند هر اسشان از بیاده شدن سولجر و توپ است ، بازار نکلی حالی ، اغلب اموال را بجانها برده برج و حصار هرکس بجهت خود ساخته ، البته میتوانم ما کال اطمینان عرض کنم از خود اهالی لنگه از تفنگ و تحت سلاح ده هزار می شوند اعاب بیج تیره ، از کجا انصاف است که ۲۰۰ نفر بیانده ده هزار

نفر مسلح باشند همه از این درد مینانند، عصر کیتان اظهار میداشت که جہاز ( ادین ) امروز صبح در مفر بوده ، طرف ظهر رفته چیرو . و بن شیخ مذکور و مقام قریب سه ساعت جنگ بوده . و اردوی غلامحسین خان و تراکه و وراوی در دستخا نزدیک جارك رسیده ، آقا بدر خلی باها فرستاده است که مرگا ، شا قصد لنگه داشته باشید دولت انگلیس ما شا طرف است ، ایشان جواب داده اند ما ابدأ قصد لنگه داشته و نداریم مقصود ما تقویت از شیخ مذکور و مطلب ما مقام است ،

۲۷ اخبار رسیده که شیخ مذکور و حضرات تراکه اطراف (مقار) (ومرماغ) که تحت حکومت شیخ احمد حامی است محاصره نموده اند ، جہاز (ادین) و آقا بدر تا کنون مراحت نکرده اند ، گویا بموجب خط شیخ احمد حامی تک از قونول خواسته است ، هنوز معلوم نیست چه اقدام و همراهی کرده اند .

۲۸ صبح ساعت دو از دست گذشته جہاز برس بویس وارد لنگه شد ، نایب الحکومه در جہاز خدمت حمران و قونول انگلیس ساعت ۴ رفته دید نمودند ، حکمران ، علی محمد حسین وکیل شیخ مذکور و محمد مخون را طلبید ، تنگنچی قریب ده نفر که از عباسی فرستاده بود برداشته و ساعت شش ربع بطرف (مقام) حرکت کردند ، بموجب خبر قونول سه جہاز شیخ مذکور را جہاز (ادین) گرفتار نموده آدمهایش سه نفر گرفتار باقی رفته اند ، و در جہازات گویا اسباب غارت بسیار است ، قاصدی مخصوص قونول فرستاده بود ، نزد غلامحسین خان و باقر خان و جواب آورده بود ، جواب آن معلوم نشد چه بوده ، بموجبیکه قاصد اظهار میداشت ، قریب سه هزار جمعیت هستند ، و الب دعاتهای کوچک مال حامی را آتش زده اند ،

حبل المتین

هرکس درست در واقعات اندک غور نماید بخوبی ملتفت می شود که منشاء کلیه این فسادات شخص دریاییکی است که انگشتر گردان دست خارجیسان میباشد . نایب الحکومه دریاییکی بدون حصول اجازه از او قشون بحری انگلیس را به لنگه پیاده نکرده است و بیرق ایران را از دار الحکومه فرود

نیاورده ، بقیه حلال هم که قشون بحری انگلیس از لنگه خارج شده دریاییکی میخواهد نام خود تمام کند معلوم نیست که کابینه وزراء در چه خواب و خیاند و این شخص وطن فروش خانرا تا کی در خلیج خواهند گذارد ، هنوز هم عبرت حاصل نموده اند که باز هم گول شاراتای او را خواهند خورد؟ خیلی جای تاسف است !!! خیلی مقام نخب است !!!

علت علت خرابی است

بس از قرون عدیده و مدتهای مدیده که ملت ایران خواست سر از خواب عمیق چندین ساله بردارده خواست خود را در شمار فرزندان فرزانه آدم محسوب کند ، خواست در قطار انسانهای عالم بایستد ، دچار هرارگونه اشکال شده با اینکه بیچاره در اول گرفتن دستخط مشروطیت و آزادی کار را خیلی سهل و آسان تصور نموده کان میکرد که بعضی تبدیل اسم مملکت از استبداد بمشروطه فوراً حقوق انسانی مسلم و دعوی استقلال و آزادیش مقبول عالم خواهد شد غافل از اینکه

( خطر ما هست بعد از مرگ در عشق )

اول آزادی آخر راحت و هو می است ، خلاصت که موافق داخلی و خارجی بعد شکل و هزار رنگ از گوشه و کنار بجنبش آمده بانواع و اقسام طامع ترقیبات او خواهند شد ، چنانچه دیدیم که چه برده های بد منظر بالا بردند ، این طغی بیچاره که تازه میخواست از تنگنای ظلمات ثلاثه جهالت و ظلم و اسارت قدم بصحرای وسیع آزادی و حریت نهاده در هوای استقلال و مساوات نشو و نما باید دچار بلیات گردید ، نخست خواستند مشروطه را مشروع کرده و باین دسیسه آن متصود عزیز را از میان ببرند نشد ، تحریکات مفسدین و خونخواران اطراف و اکناف پرداختند و آن زلوها را بخون لطیف ملت سر دادند که بیکباره ریشه حیاتی را قطع کنند آنها نشد مجلس مقدس را ببارد مان و آزادی طلبان را کشته و بیخانمان کردند که شاید باین وسیله اساس آزادی را بر باد دهند آنها نشد

نائباً ملت مظلوم ایران ایستادگی نموده شاه را مخنوع و مجلس را مفتوح و برخی از مفسدین را قلع وقع کرد فی الجمله صورت بندی از کارها نموده باز کان کرد که مطلب تمام و مقصود بکام آمده قدری



خیال استراحت افتاده و این خیال خبط صریح بود چه که بحض برداشتن طانی مانند محمد علی میرزا فوراً طانی تولید شد یعنی قشون روس در داخله مملکت آمد. مشغول قیدومیت این طفل رضیع شدند و مشغول تولید موانع گردیدند و باسم حفظ حقوق اتباع خارجه حقوق مسلمه داخله را پایمال نمودند. آخر این چه تصویریت که ملت ایران میکنند تا بکثرت دیگر که تمام این مدت هم مشغول رفع موانع باشیم باز نمیتوان حکم قطعی داد مگر ایران دیگر مانع ترقی و دشمن آزادی ندارد چه تصور غلط و خیال محالی است که ما داریم هیچ فکر نمیکنیم که آزادی ما ملت مضر بحال سرکشان و خود پرستان مملکت است که ساهما بدعوی انا ربکم الاعلی عادت کرده و بندگی ما بیچارگان را از پدر و جد بارت دارا شده اند و هرگز بحض حرف دست از عادت خود و جان ما را نخواهند داشت. حق هم دارند اگر لب نانی از جنگ گدانی بزود بگیرند تا میواند مدافعه میکنند با اینکه بولی قیمتش نداده این دسته که ساهمای دراز برای حفظ مقام استبداد و نقای فرعونیت جان بازیها نموده چگونه باین زودی صرف نظر از مقصود باین بزرگی خواهند کرد. هیات! هیات!

بر عکس شها فکر ما باخته و روزها ناستهای مخفی و آشکار خود بموقع اجرا میگذارند (خصم از درهاست او کی مرده است)

مثلاً یکدسته را وا میدارند که هیات شرعیه و ملزومات عقیده را اسم آزادی مرتکب شوند. و دسته دیگر را وا میدارند که مردمان نادان را فریب داده بابشان بگویند که به بنید که آزادی که میخواستند این بود که هرکس هرچه دانش میخواهد بکند احکام شریعت مطلق بماند روزه در مرد نماز نخواند بیچاره مردم هم غافل ازینکه من اشخاص هر دوره استبداد مشغول همین کارها بودند. ای که تازه بیدین شده باشند. یکدسته را وا میدارند که ممتک به آزادی عقیده و طاق شده یا مطالب باطلی را اصلاً یا منطاب حتی را در صورت باطل در جمعی عنوان کنند که ما به نفع قلوب عوام از آزادی عقاید و افکار فراهم شود. فلان حکم مثلاً کارها را بطنره و تملل میگذرانند بعد در جواب کسانی که

شکایت از ناامنی ولایت (که ناشی از اعمال او شده است) میکنند میگویند چگونه اگر این بازیها نبود من تا حال چنین وچنان کرده بودم یعنی این ناامنی این تضییع حقوق فرع قانون است و اسباب نفعرت صد هزار نفر را فراهم میکند.

خلاصه کلام آنکه امروز ما همین ترقی و دشمنان آزادی داریم و بسیار داریم. هر که بگوید نداریم اشتباه کرده. کار میکنند و خوب هم کار میکنند. هر که بگوید کار نمیکنند تفهیدند نتیجه ها گرفته و میگیرند. هر کس بگوید نتیجه نگرفته اند ندانسته منتهی از تبلی و جسی وقتی خبردار میشویم که آتش فتنه آنها دود از دودمان ما برآورده باشد نمیتوانم منحل بنویسم. احتمالاً عرض میکنم نباید ازین کار کتمان غفلت داشت که هر از شکل در صدد خرابی اساس مقدس آزادی برآمده و خواهند برآمد. چه باید کرد! ما ملت خواب آلوده را بیدار کرده آنها را بمقوق مسلمه خودشان ملتفت و هوشیار نمود. باید حقوق را برای آنها تشریح کرد. باید آزادی را بخوبی یعنی چنانچه هست یعنی آن طور که آزادی یک مملکت اسلامی میباشد آنها فہماید. باید حریت و مساواترا فعلی ما آنها حالی کرد خاصه با ضدیت افسال باید بسیار بسیار از انزجار و نفعرت ملت توسید همه موانعرا میشود رفع کرد مگر نفعرت قلوب عامه را هیجان نفعرت قلوب عامه ملت بود که استبداد صغیرا منقاب بشروطیت نمود. هرگاه اشتیاق ملت و توجه نفوس نبود هرگز روی آزادی را نمیدیدیم. باید دانست که ما همین دیگر نمیتواند تقوه قهریه از خیالات آزادی طلبان جلوگیری کنند ولی ما ترنباں که عرض شد بخوبی بمقصود خود موفق میشوید.

الغرض میداید که مقصود عمده ملت امنیت و آسایش است و می بینیم که آنها چه حال دارد و ما اینکه اهمیتی ندارد دفع الوقت میکنیم امروز شغل اهم که یک آت غفلت ارو جایز نیست اقامه امنیت است که هم رافع هتاه قشون اجنبی است هم دافع افسردگی و دلزدگی ملت و این مطلب فراهم نمیشود مگر فرستادن حکام کاردان کارکن ولایات و ایالات. و فرستادن مفتشین مخفی بدنبال آنها. بدین است که بدون تفتیش هیچ خود